



شورای عالی علمیه قم
مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران
مدرسه علمیه حضرت زینب(سلام الله عليه) شهرستان میناب
تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

عنوان:

بررسی روزه و عوامل تضعیف و ارتقاء ارزش آن

استاد راهنما:

سرکار خانم بنت الهدی سلامی هرمزی

استاد داور:

حجت‌الاسلام والمسلمین جناب دکتر قنبر درویشی

پژوهشگر:

فریبا کمالی

تابستان ۱۳۹۴

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ



شورای عالی علمیه قم
مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران
مدرسه علمیه حضرت زینب(سلام الله عليه) شهرستان میناب
تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

عنوان:

بررسی روزه و عوامل تضعیف و ارتقاء ارزش آن

استاد راهنمای:
سرکار خانم بنت الهدی سلامی

استاد داور:
حجت‌الاسلام والملسمین جناب دکتر قنبر درویشی

پژوهشگر:
فریبا کمالی

تابستان ۱۳۹۴

بسمه تعالی

تحقیق پایانی با موضوع: بررسی روزه و عوامل تضعیف و ارتقاء ارزش آن

توسط پژوهشگر محترم سرکار خانم: فریبا کمالی

برای دریافت دانشنامه سطح (۲) تدوین شده است هیأت داوران مورد ارزیابی قرار گرفته
و در تاریخ ۱۳۹۴/ / با کسب رتبه پذیرفته شده است.

استاد راهنمای: بنت الهدی سلامی هرمزی

استاد داور: حجت‌الاسلام والملمین حاج قنبر درویشی

مدرسه علمیه: حضرت زینب(س)

شهرستان: میناب

امضاء مدیر و مهر مدرس

تحمیدیه:

سپاس مخصوص خدائی که دین مورد پستدش را به ما هدیه داد و ما را به شریعتش و آیین خویش را اختصاص داد و در مسیرهای احسان و نیکی‌هایش ما را راه داد تا به برکت مهربانی و نعمت‌هایش راه را به سوی بهشتیش یا به سمت خوشنودیش طی کنیم سپاسی که آن را از ما قبول کند و به سبب آن از ما خشنود گردد.

سپاس خدائی را که از جمله راه‌های خیر و احسانش برای ما این بود که ماه خودش یعنی ماه رمضان را در اختیار ما قرار داد. ماه خدا، ماه روزه گرفتن و ماه تسلیم شدن حق، و ماه پاکیزگی از گناهان، و ماه صاف شدن و ماه برخواستن با تمام شرایط بندگی، ماهی که در آن قرآن نازل گردیده که راهنمائی کننده مردم است با دلیل‌های روشن کننده در جهت هدایت یافتن انسان‌ها به تشخیص حلال از حرام و جدایی حق از باطل می‌باشد.

تقدیم به:

اولین مظلوم عالم و دوازده علم و ایمان که جامعه بشری با سخنان گوهروار او پیچک‌های یاس تقوا را طی می‌کند و به سر منزل سعادت و قرب اللهی می‌رسد.

مولی المؤمنین، امیر المؤمنین امام همام حضرت علی (علیه السلام).

تقدیر و تشکر

«مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ»

تشکر از او که خلقم کرد، هدایتم کرد توان بخشدید و تشکر از تمام عزیزانی که مرا در نگارش این رساله
یاری رساندند.

چکیده:

در دنیای کنونی پاییندی به اصول دین و باورهای اعتقادی کمرنگ شده و باورها و اعتقادات مردم مورد تهدید واقع شده است. برای مقابله با این شرایط اعتقادی ناگوار می‌توان با بیان آثار عبادتی مانند روزه که از عبادات سخت است، افراد جامعه را به انجام واجبات تشویق نمود و بدین ترتیب باورهای اعتقادی آنان را مستحکم نمود.

روزه در لغت به معنای امساك و خوداری از هر چیزی است در اصطلاح به معنای پرهیز از خوردن و آشامیدن از اذان صبح تا غروب به قصد انجام فرمان خدا.

امروزه به دلیل بی تقوای افراد در جامعه و سبک شمردن این امر عبادی و آگاه نبودن از اثرات مادی و معنوی روزه شاهد روشن معضلات اخلاقی هستیم که سلامت را از جامعه دور میکند.

از این رو ارائه پژوهش هایی در این راستا ضرورت پیدا میکنند تا با مطالعه این آثار به امر روزه بیشتر توجه شود.

تحقیق حاضر از نوع کاربردی است و روش جمع آوری مطالب کتابخانه‌ای است. تحقیق به اعتبار ماهیت و روش تفسیری توضیحی است. که بر اساس آیات و روایات بوده و به اعتبار موضوع دینی است.

کلیدواژه: «روزه»، «رمضان»، «لیله القدر»، «فطر»، «امام رضا».

فهرست مطالب

شماره صفحات

عنوانی مطالب

فصل اول

کلیات

۲.....	مقدمه
۳.....	بیان مسئله
۳.....	اهمیت و ضرورت
۴.....	پیشینه تحقیق
۵.....	روش تحقیق
۵.....	اهداف تحقیق
۵.....	فرضیه تحقیق
۵.....	سوالات اصلی
۵.....	سوالات فرعی
۶.....	سازماندهی و فصل بندی تحقیق

فصل دوم

جلوه های اهمیت روزه

۸.....	جلوه های اهمیت روزه
۹.....	ماه مبارک رمضان

۱۱.....	فضیلت روزه
۱۲.....	فضیلت روزه دار
۱۳.....	درجات روزه
۱۴.....	روزه عام
۱۵.....	روزه خاص

فصل سوم

فلسفه روزه

۱۷.....	تشريع روزه در اسلام
۲۰.....	منظور از صبر همان روزه است.
۲۱.....	الف) تقوا
۲۳.....	ب) تقویت اراده و کنترل هوای نفس
۲۴.....	ج) آزمودن اخلاق
۲۵.....	د) حکمت
۲۵.....	ه) زکات و سالم سازی بدن
۲۷.....	و) همدردی با فقیران

فصل چهارم

عوامل تضعیف ارزش روزه

۳۰.....	عوامل تضعیف ارزش روزه
---------	-----------------------

۳۰.....	۱-افکارناپسند...
۳۱.....	۲-لقمه ناپاک....
۳۲.....	۳-سخن چینی ..
۳۳.....	۴-تکبر و عجب...
۳۴.....	۵-حسادت....
۳۵.....	۶-دروغ گفتن....
۳۶.....	۷-بدخلقی....
۳۷.....	۸-غیبت....
۳۸.....	۹-تجسم غیبت درابطه باروزه....
۳۹.....	۱۰-عیب جویی....

فصل پنجم

عوامل ارتقاء ارزش روزه

۴۲.....	عوامل ارتقاء ارزش روزه....
۴۲.....	۱-امام شناسی ولايت....
۴۴.....	۲-انتظار....
۴۵.....	۳-تحصیل دانش....
۴۵.....	۴-ذکر....
۴۶.....	۵-قرائت قرآن کریم....
۴۶.....	۶-دعاؤنیایش....

۴۷.....	۷-توکل
۴۸.....	۸-توکل مشت
۴۹.....	۹-توکل منفی
۵۰.....	۱۰-ورع
۵۱.....	۱۱-رضاآتسیلیم
۵۲.....	۱۲-اتفاق
۵۳.....	۱۳-عفو و بخشن
۵۴.....	۱۴-امریه معروف و نهی از منکر
۵۵.....	۱۵-گره گشایی از کار دیگران
۵۶.....	۱۶-خوف و خشیت
۵۸.....	۱۷-شفاعت

فصل ششم

بررسی لیله القدر و عید سعید فطر

۶۱.....	لیله القدر
۶۱.....	شب قدر لیله المبارکه
۶۲.....	معنای شب قدر
۶۳.....	تقدیر امور سال
۶۴.....	رازنیوں ملائکہ
۶۵.....	لیله القدر چہ شبی از سال است؟

٦٦.....	وداع با ماه رمضان
٦٧.....	عيد فطر
٦٨.....	شب عيد فطر
٦٩.....	روز عيد فطر در کلام امام رضا (علیه السلام)
٧١.....	نتیجه گیری
٧٢.....	منابع و مأخذ
٧٣.....	منابع فارسی
٧٤.....	منابع عربی
٧٥.....	سایت

فصل اول:

کلیات

روزه در لغت به معنای امساک و خوداری از هر چیزی است و در اصطلاح به معنای پرهیز از خوردن و آشامیدن از هنگام اذان صبح تا اذان مغرب به قصد انجام دادن فرمان خداوند است. روزه یکی از ارکان دین اسلام است و عملی عبادی است که مانند نماز واجب شده است. بهترین و نزدیکترین و مؤثرترین راهی که افراد را در امر(تقوا) می‌توانند کمک کند روزه است.

تحقیق از نوع کاربردی است و روش جمع آوری مطالب کتابخانه‌ای است. تحقیق به اعتبار ماهیت و روش تفسیری توصیفی است که بر اساس آیات و روایات بوده و به اعتبار موضوع دینی می‌باشد.

این تحقیق مشتمل بر شش فصل است.

فصل اول کلیات که شامل مقدمه، بیان مسئله، اهمیت و ضرورت تحقیق، پیشینه تحقیق، فرضیه تحقیق، سوالات اصلی و فرعی..... است.

فصل دوم با عنوان جلوه‌های اهمیت روزه: در این فصل به اهمیت ماه مبارک رمضان، فضیلت روزه، فضیلت روزه دار درجات روزه اشاره شده است.

فصل سوم: فلسفه روزه: در این فصل تشریع روزه در اسلام، حکمت‌ها روزه که عبارتند از: تقوا، تقویت اراده و کنترل هوای نفس، زکات و سالم سازی بدن..... است پرداخته شده است.

فصل چهارم: عوامل تضعیف روزه: اگر روزه داران بدانند که بعضی از عوامل از ارزش روزه می‌کاهد حتماً از آن دوری می‌کنند برای آشنایی روزه داران در این فصل به عوامل تضعیف روزه که عبارتند از: افکار ناپسند، لقمه ناپاک، سخن چیزی، است اشاره شده است.

فصل پنجم: عوامل ارتقاء ارزش روزه: همانطور که عوامل باعث کاهش ارزش روزه می‌شوند عواملی نیز در ارتقاء ارزش روزه تأثیر زیادی دارند: این عوامل که عبارتند از امام شناسی ولایت، انتظار، تحصیل دانش، ذکر..... است مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل ششم: بررسی لیله القدر و عید فطر: در این فصل جایگاه لیله القدر و اهمیت آن بررسی عید فطر انجام شده است.

بیان مسئله

روزه در لغت به معنای امساک و خوداری از هر چیزی است و در اصطلاح به معنای پرهیز از خوردن و آشامیدن از هنگام اذان صبح تا اذان مغرب به قصد انجام دادن فرمان خداوند است. روزه عاملی است که انسان با استفاده از آن می‌تواند به خواهش‌های نفسانی غلبه کند و به روح سعادت و تعالی فردی برسد.

مسئله روزه در مباحث و علوم مختلفی از قبیل: علم اخلاق، علم پزشکی، فقه و روان‌شناسی و علوم اجتماعی و غیره قابل بررسی است.

علم پزشکی تأثیر روزه را بر روی جسم انسان بررسی و تحلیل می‌کند که جسم به هنگام روزه به جای غذا از مواد باقی مانده در بدن استفاده می‌کند و به این وسیله مواد عفونی که در جسم است از بین می‌رود و سبب بهبود جسم می‌شود. هم چنین در علم روان‌شناسی، تأثیر روزه بر روح و روان انسان بررسی می‌شود که روزه روح آدمی را لطیف و اراده انسان را قوی و غرائز او را تعديل می‌کند و انسان را در برابر سختی‌ها مستحکم می‌نماید.

تحقیق حاضر در پی این مسئله است که روزه چه آثار و پیامدهایی دارد.

پس از بیان روزه در ادیان دیگر و مقایسه آن با روزه در اسلام، برتری روزه در اسلام بر دیگر ادیان مشخص می‌شود روزه اسلامی نه مانند روزه مسیحیان طولانی و خسته کننده است و نه مانند روزه زرتشیان ناچیز و اندک.

از نظر کیفی نیز از روزه دیگر ادیان برتر است؛ برای مثال ایام روزه یهودیان در روزهای سال پراکنده و نظم و حساب معینی ندارد و جز عالمان یهود، دیگران از دانستن آن ناتوانند. اما روزه اسلام منظم و دقیق است با دیدن حلال ماه رمضان آغاز می‌شود و با پایان یافتن ماه رمضان تمام تمام می‌شود که هدف آن رسیدن انسان به درجه والای تقدوا می‌باشد که انسان در این صورت با داشتن تقدوا دارای کرامت می‌شود.

اهمیت و ضرورت

روزه یکی از اركان دین اسلام است و عملی عبادی است که مانند نماز واجب شده است. از آنجایی که انسان علاوه بر جنبه مادی و جسمی و دارای جنبه معنوی و روحی هم هست و هر یک از این‌ها در رسید به کمال مطلوب خود به برنامه‌های خاصی احتیاج دارند. یکی از برنامه‌ها که جنبه معنوی دارد تقدوا و پرهیز

کاری است. به این معنا که انسان بخواهد خودش را از جنبه معنوی ارتقا دهد و به عالم طهارت و رفعت متصل کند او بین چیزی که باید بدان ملتزم شود جلوگیری از افسارگسیختگی خود است. او نباید خود را سرگرم لذت‌های جسمی و شهوت‌های بدنی کند.

بهترین و نزدیکترین و مؤثرترین راهی که افراد را در این امر (تقوا) می‌تواند کمک کند روزه است. آشنا نمودن مردم با پیامدهای فردی و اجتماعی روزه، بررسی نقش روزه در تعالی روح فرد، بررسی علل تضییف روزه و عوامل ارتقای آن امری لازم و ضروری است و این امر بر عهده علماء و پژوهشگران دین نهاده شده است.

از این رو محقق بر خود لازم دانسته تحقیقی در مورد روزه و عوامل تضییف و ارتقاء آن نموده تا به جامعه ارائه دهد.

پیشنه تحقیق

روزه به معنی امساك و خودداری عملی است، عبادی که خداوند آن را به همه اديان ابراهیمی قبل از اسلام و بعد از اسلام نیز نازل فرموده ولی تفاوت آن در نحوه انجام و زمان آن بوده است. شواهدی فراوان در تاریخ وجود دارد که نشان دهنده این است که روزه در میان اقوام و اديان گذشته از جمله قوم یهود، مسیحیان رایج بوده است. آنان هنگام مواجهه با غم و اندوه و توجه و طلب خوشنودی خداوند روزه می‌گرفتند. قرآن کریم به صراحة بیان می‌کند که فرضیه الهی در میان امت‌های پیشین واجب بوده است.

علماء و اندیشمندان کتابهای زیادی در مورد روزه در نگاه آیات و روایات نوشته‌اند:

- ۱- از جمله بحار الانوار جلد بیست تأییف شیخ محمد باقر مجلسی است که در یک بخش آن در مورد صوم و ابوم صوم شهر رمضان بحث می‌کند.
- ۲- کتاب حکمت عبادات آیت الله جوادی آملی: متن‌گذاری ده بخش است که هر یک از آنها به بیان اسرار و احکام نوع خاصی از عبادات پرداخته است.

از جمله تحقیقات پایانی که در این مورد نوشته شده است عبارت است:

۱- رساله نقش روزه در خودسازی نوشه‌ی رضاعلی سانبلو این رساله شامل چهار فصل است که ابتدا بحث لغوی صوم و بحث اصطلاحی کلمه صوم از دیدگاه کتاب های مهم بررسی شده و هم چنین نقش روزه در جهت دستیابی به غرت نفس و تزکیه روح و جنبه‌های اجتماعی روزه پرداخته....در آخر اثرات بهداشتی و طبی روزه مورد بررسی قرار داده است.

روش تحقیق

تحقیق از نوع کاربردی است و روش جمع آوری مطالب کتابخانه‌ای است. تحقیق به اعتبار ماهیت و روش تفسیری توصیفی است که بر اساس آیات و روایات بوده و به اعتبار موضوع دینی می‌باشد.

هم چنین از شیوه کتابخانه‌ای برای بررسی و تبیین موضوع استفاده شده و پس از بررسی موضوع و انتخاب هدف، منابع مورد نیاز جمع آوری سپس فیش برداری و به نظم درآورده شده است.

اهداف پژوهش

۱- تبیین جایگاه روزه و نقش آن در معنویت انسان

۲- بررسی عوامل تضعیف روزه

۳- شناسایی عوامل ارتقاء ارزش روزه

فرضیه

روزه یکی از برنامه‌های مترقی اسلام است که باعث سعادت دنیا و آخرت و بهداشت جسم و ترکیه نفس و اخلاق اسلامی است.

سوالات اصلی:

۱- نقش روزه در تعالی انسان چگونه است؟

سوالات فرعی:

۱- جایگاه روزه از نظر آیات و روایات چگونه است؟

۲- انواع روزه چیست؟

۳- عوامل تضعیف روزه چیست؟

۴- عوامل ارتقاء روزه چیست؟

سازماندهی و فصل بندی تحقیق

این تحقیق مشتمل بر شش فصل است.

فصل اول کلیات که شامل مقدمه،بیان مسئله،اهمیت و ضرورت تحقیق،پیشینه تحقیق،فرضیه تحقیق،سوالات اصلی و فرعی..... است.

فصل دوم با عنوان جلوه‌های اهمیت روزه

در این فصل به اهمیت ماه مبارک رمضان،فضیلت روزه،فضیلت روزه دار درجات روزه اشاره شده است.

فصل سوم:فلسفه روزه

در این فصل تشریع روزه در اسلام،حکمت‌ها روزه که عبارتند از:تقوا،تعویت اراده و کنترل هوای نفس،زکات و سالم سازی بدن.....است پرداخته شده است.

فصل چهارم:عوامل تضعیف روزه

اگر روزه داران بدانند که بعضی از عوامل از ارزش روزه می‌کاهد حتماً از آن دوری می‌کنند برای آشنایی روزه داران در این فصل به عوامل تضعیف روزه که عبارتند از:افکار ناپسند،لقمه ناپاک،سخن چینی،.....است اشاره شده است.

فصل پنجم:عوامل ارتقاء ارزش روزه

همانطور که عوامل باعث کاهش ارزش روزه می‌شوند عواملی نیز در ارتقاء ارزش روزه تأثیر زیادی دارند:این عوامل که عبارتند از امام شناسی ولایت،انتظار،تحصیل دانش،ذکر..... است مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل ششم:بررسی لیلۀالقدر و عید فطر

در این فصل جایگاه لیلۀالقدر و اهمیت آن و بررسی عید فطر انجام شده است.

فصل دوم:

جلوه‌های اهمیت روزه

جلوه‌های اهمیت روزه

روزه در دین اسلام جایگاهی بس بزرگ و رفیع دارد، بطوری که یکی از ارکان دین محسوب می‌شود. امام باقر(علیه السلام) می‌فرماید: اسلام بر پنج چیز استوار است: ولایت، نماز، زکات، روزه و حج.^۱

در واقع روزه یکی از برنامه‌های مترقی و متعالی دین مبین اسلام است. که باعث سعادت دنیا و آخرت و بهداشت جسم و تزکیه نفس و اخلاق انسانی می‌شود. روزه یک موهبت الهی است که نصیب انسان شده است تا انسان از آن استفاده احسن نماید.

روزه آغاز عبادت و طاعت الهی محسوب می‌شود. در حدیث معراج است که پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) سؤال می‌کند: «یا ربُّ و ما أَوْلُ الْعِبَادَةِ؟ قالَ: أَوْلُ الْعِبَادَةِ الصُّمُتُ وَ الصُّومُ». ^۲

«پروردگارا، شروع و آغاز عبادت به چیست؟ خداوند می‌فرمایند آغاز و شروع عبادت به سکوت و روزه است.»^۳

با این که همه عبادات ازان خداست، اما خداوند می‌فرماید: «الصومُ بِي وَ آنَا أَجزِي بِهِ». روزه مال من است و من خود پاداش او را می‌دهم.^۴

شاید این حدیث بر این مطلب دلالت دارد که همان طور که روزه، قصد و اراده‌ای درونی و سری است نه رفتاری آشکار مانند سایر عبادات و کسی جز خدا از قصد و نیت روزه دار با خبر نمی‌شود، خدا هم در دادن اجر به بنده کسی را میان بنده و خود واسطه قرار نمی‌دهد.

علامه طباطبائی(ره) درباره این حدیث می‌نویسد: این حدیث کنایه از نزدیکی روزه دار به خداوند متعال است، زیرا «أَجزِي بِهِ» اگر صیغه مجھول خوانده شود، معناش این می‌شود که خود من (خدا) جزای روزه قرار می‌گیرم. انسان روزه دار باید به خود افتخار کند که به وسیله روزه به چنین جایگاهی می‌رسد.

^۱- عزیزالله، عطاردی، ایمان و کفر (ترجمه الایمان و الکفر بحار و الانوار، ج ۱، بی چا، انتشارات عطارد)، ص ۴۳۶.

^۲- محمد تقی، مصبح یزدی- راهیان کوی دوست، بی چا، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، پاییز ۸۲، ص ۲۰۳.

^۳- بهدادالدین، خرم شاهی، مسعود، انصاری، پیام پیامبر، بی چا، نشر منفرد، ص ۲۱۹.

روزه انسان را از تاریکی دنیا به نور ملکوت می‌رساند. انسان به سبب روزه داشتن از شباهت بهایم و انعام رهایی می‌یابد. و شیوه به فرشتگان می‌شود، صفاتی که روزه داشتن به نفس‌های کدر و تاریک می‌دهد از هیچ عبادتی حاصل نمی‌شود. به همین خاطر است که از شریف‌ترین عبادات دانسته شده است.

فقیه بزرگ شیعه مرحوم صاحب جواهر در آغاز کتاب روزه می‌فرماید: «روزه از شریف‌ترین طاعات و برترین اسباب قرب به حق است و اگر جز این که آدمی را از حفیض نفس حیوانی تا قله شباهت به فرشتگان روحانی بالا می‌برد، هیچ ویژگی دیگری نداشت، در فضیلت آن کافی بود.»^۴

ماه مبارک رمضان

یکی از جلوه‌های روزه آن است که خداوند آن را در ماهی به نام رمضان واجب کرد. ماهی که ماه خدا است. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «رمضان شهرُ اللهِ و هو رَبِيعُ الْفُقَرَا» رمضان ماه خدادست، بهار فقیران است.^۵

ماهی که قرآن در آن نازل شده است. خداوند در این ماه، نعمتی به نام قرآن به انسان هدیه کرده است. عظمت این ماه، به نزول قرآن کریم است.

«شَهْرُ رَمَضَانُ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْءَانُ» رمضان، ماهی است که قرآن در آن نازل شده است.^۶ ماه بهار قرآن است. امام باقر می‌فرماید: «لِكُلِّ شَيْءٍ رَبِيعٌ وَ رَبِيعُ الْقُرْآنِ شَهْرُ رَمَضَانٍ». برای هر چیزی بهاری است و بهار قرآن ماه رمضان است.^۷

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: صحف ابراهیم، در شب اول ماه رمضان، نازل شد. تورات، شش (شب) از ماه رمضان گذشته نازل شد. انجیل، سیزده شب از ماه رمضان گذشته نازل شد.

^۴- حسین، روحانی نژاد، پرستش، چاپ اول، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، تابستان ۸۱، ص ۳۸.

^۵- دفتر تبلیغات آموزش حوزه علمیه قم، ره توشه راهیان نور ویژه ماه مبارک رمضان، چاپ اول، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۹۴.

^۶- سوره بقره (۲) آیه ۱۸۵.

^۷- دفتر تبلیغات معاونت آموزش حوزه علمیه قم، ره توشه راهیان نور ویژه ماه مبارک رمضان، همان، ص ۹۳.

^۸ زیور، هیجده (شب) از ماه رمضان گذشته نازل شد.

رمضان سرور ماه هاست. ماه میهمانی و ضیافت الهی است. در این ضیافت خداوند انسان‌ها را دعوت می‌کند تا روح خود را شستشو دهند. از این ضیافت الهی، بندۀ میهمان حق است. این میهمانی هیچ سنتی با میهمانی‌های دنیوی ندارد.

بندۀ از غذا و شراب طهوری که جز لفظ از آن نمی‌شناسیم برخوردار می‌شود. با امساك از آنچه باید امساك شود، بندۀ آن صلاحیت را پیدا می‌کند که در پشت پرده به طعام و شراب دیگری که طعام و شراب اصلی اوست منعم گردد. این طعام و شراب طهور که در ضیافت روزه به بندۀ داده می‌شود طعام وصال حق و شراب فناست که جز با روزه حقیقی میسر نمی‌شود.

طعام و شراب این ضیافت بندۀ را از خود دور و به معبد نزدیک می‌کند، تا در جمال حق سیر کند و به او نزدیک‌تر شود. این خاصیت چنین طعام و شرابی است. ابو حمزه می‌گوید: شنیدم از امام صادق (علیه السلام) که فرمود: از شما هر کس روزه می‌گیرد، در عالم غیب در باغات بهشت از نعمتها و لذتها بهره‌مند می‌شود و در آنها سیر می‌کند، و ملائکه تا وقت افطار برای او دعا می‌کنند.^۹

در چنین ماهی است که به انسان کرامت ویژه بخشیده می‌شود. تا جایی که نفس کشیدن انسانه تسبیح و خواب آنها عبادت حساب می‌شود. امام صادق (علیه السلام): «خواب انسان روزه دار عبادت است، سکوت او تسبیح، عمل او پذیرفته شده و دعای او مستجاب است».^{۱۰} پیامبر خدا (صلی الله و علیه و آله و سلم) فرمود: خواب روزه دار عبادت و نفس کشیدن او تسبیح است، هم چنین خداوند اعمالش را می‌پذیرد، دعا‌یشان را مستجاب می‌کند، درهای بهشت را به رویشان باز می‌کند، درهای دوزخ را می‌بندد. شیطان را به زنجیر می‌کشد. هر آیه‌ای را که در این ماه تلاوت می‌شود ثواب یک ختم قرآن برای آنها حساب می‌شود.

رسول اکرم (صلی الله و علیه و آله و سلم) فرمود: همانا ماه رمضان ماه مبارکی است که خداوند واجب نموده است که در این ماه روزه بگیرید؛ پس رد این ماه تمام درهای بهشت گشوده و تمام شیاطین در بند و زنجیر کشیده

^۸- مجید، جعفر پور، درسنامه ماه رمضان، چاپ اول، قم: انتشارات بیت الاحزان، بهار ۹۳، ص ۱۷۰.

^۹- محمد، شجاعی، طریق عمل تزکیه، چاپ دوم، تهران: سروش، سال ۶۴، ص ۱۲۵.

^{۱۰}- محمدعلی، مجاهدی، پاداش نیکی‌ها و کیفر گناهان، بی‌چا، انتشارات سرور، ص ۱۴۶.

شده، پس هر کس از آن بی بهره بماند، به راستی که محروم و بی بهره مانده است و این سخن را حضرت سه
بار تکرار فرموده.^{۱۱}

فضیلت روزه

برای روزه فضایل بسیاری وجود دارد. از جمله این که سپر آتش است پیامبر اکرم (صلی الله و علیه و آله و سلم)
فرمود: «الصَّوْمُ جَنْنُهُ مُنَّ النَّارِ» روزه سپری در مقابل آتش است.^{۱۲}

روزه سپر آتش می شود و از انسان در مقابل آتش جهنم محافظت می کند این به خاطر این است که آتش
غضب و شهوت با خوردن و آشامیدن تقویت می شود سپس وقتی انسان روزه می گیرد و رنج تشنگی و
گرسنگی را تحمل می کند آتش غصب و شهوت را که موجب شعله ور شدن آتش جهنم در دنیا و ظهور آن
در آخرت می شود، خاموش می کند.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: روزی پیامبر گرامی اسلام (صلی الله و علیه و آله و سلم) به گروهی از مسلمانان
فرمودند: آیا مایلید شما را به چیزی رهنمود سازم که اگر انجام دهید شیطان (و تمایلات نفسانی) به قدر
فاصله مغرب از شما دور می شوند؟ همگی گفتند آری ای رسول خدا.^{۱۳}

هم چنین پیامبر (صلی الله و علیه و آله و سلم) می فرماید روزه روی شیطان را سیاه می کند.^{۱۴}

شیطان دشمن قسم خورده انسان است و تا جایی که بتواند انسان را وسوسه می کند تا از سیر اصلی خود
منصرف شود. در روایات است که شیطان همانند خون در آدمیزاد جریان دارد و فقط با گرسنگی می توان
گذرگاه شیطان را تنگ کرد. در اینجا منظور از گرسنگی همان روزه است. زیرا روزه موجب خلع سلاح و
بس تن دست های شیطان می شود روزه سبب می شود اسان بر شیطان پیروز شود. زیرا ابزار شیطان در فریب
انسان شهوت است که با روزه گرفتن و امساك از خوردن و آشامیدن از بین می رود. پس در واقع شیطان
مغلوب می شود.

۱۱- دفتر تبلیغات معاونت آموزش حوزه علمیه قم، رمضان تجلی معبد، قم: مرکز پژوهش و تحقیقات سازمان تبلیغات
اسلامی، سال ۱۴۱۸ ه. ق، ص ۷۴.

۱۲- محمد باقر، کمره‌ای، آداب معاشرت، (ترجمه جلد ۱۶ بحار الانوار) ج ۱، انتشارات الاسلامیه، ص ۸

۱۳- محمدرضا، جباران، درسنامه علم اخلاق، چاپ سوم، قم: مرکز نشر هاجر، پاییز ۸۵، ص ۱۴۸.

۱۴- محمدرضا، جباران، همان، ص ۱۴۶.

روزه ربع ایمان است؛ زیرا پیامبر(صلی الله و علیه و آله و سلم) فرمود: «روزه نیمی از صبر است»^{۱۵} و نیز فرمود: «صبر نیمی از ایمان است».^{۱۶} که اگر جز این فایده‌ای نداشت، انسان به سعادت نمی‌رسد.

روزه گرفتن در فصل تابستان که هوا بسیار گرم و روزها طولانی‌تر از فصل زمستان است جهاد می‌باشد.

امام صادق(علیه السلام) می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْجَهَادِ الصَّوْمُ فِي الْحَرَّ».^{۱۷} برترین جهاد روزه گرفتن در هوای گرم است. هر کس در یک روز بسیار گرم برای خدا روزه بگیرد و تشنه شود، خداوند عزوجل هزار فرشته بر او می‌گمارد که بر چهره‌اش دست نواش کشند و بشارتش دهنند و چون افطار کند، خدای عزوجل می‌فرماید: و چه خوش است بوی تو روح تو. فرشتگان من گواه باشید که من او را آمرزیدم.^{۱۸}

فضیلت روزه دار

خداوند برای انسان روزه دار فضیلت بزرگی اعطا می‌کند و به او کرامت می‌بخشد. و او را همسان فرشتگان می‌داند که هیچ گناهی از آن‌ها سر نمی‌زند و پاک پاک هستند. انسان روزه دار زمانی به این مرتبه نایل می‌شود که میوه روزه را چشیده باشد که آن میوه تقوا می‌باشد نگاه که با تقوا شد چنین کرامتی به او بخشیده می‌شود. البته روزه دار فضایل بسیاری دارد، از جمله این که پیامبر اکرم(صلی الله و علیه و آله و سلم) فرمود: «بهاشت را دری است به نام دیان(سیراب) که جز روزه داران از آن وارد نشوند».^{۱۹}

در خبری دیگر آمده است «که چون آخرین نفر آن‌ها وارد شود آن در بسته می‌شود».^{۲۰}

در روایات است که: «شخص روزه دار را دو شادی است: یکی هنگامی که افطار می‌کند و دیگری هنگامی که پروردگارش را ملاقات می‌کند».^{۲۱}

^{۱۵}- همان، ص ۱۴۵.

^{۱۶}- همان.

^{۱۷}- دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، رمضان تجلی معبد، همان، ص ۹۵.

^{۱۸}- همان، ص ۱۹۷.

^{۱۹}- محمد، محمدی ری شهر، میزان الحکمة، ج ۷، چاپ چهارم، قم: مرکز تحقیقات دارالحدیث، سال ۱۳۸۳، ص ۳۲۱.

^{۲۰}- همان، ص ۳۲۱.

^{۲۱}- سیداحمد، فهری زنجانی، خصال ترجمه فهری، ج ۱، بی‌چا، انتشارات علمیه اسلامیه.

خداؤند به روزه داران که در حال خواب هستند آب و غذا می دهند.امام کاظم(علیه السلام)فرموده:«ای روزه داران پیش از ظهر بخوابید که خداوند تعالی روزه دار را در رختخوابش آب و غذا می دهد.»^{۲۲}

فرشتگان برای روزه دار طلب آمورزش می کنند.پیامبر گرامی اسلام فرمود:هیچ روزه داری نسیت که بر عده- ای در حال غذا خوردن وارد شود،مگر اینکه اندامهایش تسبيح گویند و فرشتگان بر او درود فرستند و درود فرشتگان آمورزش خواهی است.^{۲۳}

باز فرمود:«هر که روزه او را از خوردن غذایی که هوسر آن را کند باز دارد،برخداست وی را از غذای بهشت سیر کند و شراب بهشتی بنوشاندش.»^{۲۴}

هر دعایی که شخص روزه دار بکند در نزد خدا اجابت می شود.مخصوصاً اگر در هنگام افطار باشد. پیامبر(صلی الله و علیه و آله و سلم)فرموند:دعای شخص روزه دار رد نمی شود.^{۲۵}

«لَا تُرَدِّ دَعْوَةُ الصَّائِمِ.» قالَ امام کاظم(علیه السلام):دَعْوَةُ الصَّائِمِ يُسْتَجَابُ عِنْدَ إِفْطَارِهِ.

امام کاظم(علیه السلام)فرمود:شخص روزه دار هنگام افطار مستجاب می شود.^{۲۶}

درجات روزه

در اسلام برای روزه،از نظر مراتب و نقشی که در تکامل انسان دارد،سه مرحله بیان شده است و علماء اخلاق و سیر و سلوک،روزه را به روزه عام،خاص و خاص الخاصل تقسیم کردند.

روزه عام

این مرتبه از روزه با پرهیز از مفطرات روزه صورت می پذیرد،باشد که در کتابهای فقهی آمده است.این مرتبه از روزه،آسانترین و پایینترین مرتبه از روزه است.آنچه از پیامبر(صلی الله و علیه و آله و سلم) روایت شده

^{۲۲}- محمد رضا، جباران، همان، ص ۱۷۵.

^{۲۳}- محمد، محمدی ری شهری، همان، ص ۳۲۱.

^{۲۴}- همان

^{۲۵}- هادی، ربانی، آینه یادها، چاپ اول، قم: مؤسسه دارالحدیث، سال ۱۳۸۵، ص ۲۱۱.

^{۲۶}- همان.

که: آسان‌ترین چیزی که خدای متعال بر روزه دار در روزه داریش واجب ساخته است، نخوردن و نیاشامیدن است. به این متبه از روزه داری اشاره دارد.

روزه خاص

در این مرتبه از روزه، روزه دار، تنها با پرهیز از مفطرات روزه، بسته نمی‌کند؛ بلکه از همه ی حرام‌های الهی پرهیز می‌نماید. از این رو، اجتناب از مفطرات، شرط درستی روزه است و اجتناب از حرام‌ها، شرط قبولی آن می‌باشد.

روزه خاص با بازداشت اعضا و جوارح از گناهان تحقق می‌یابد. حضرت علی^(علیه السلام) فرمودند: هر کس روزه ماه مبارک رمضان را با ایمان و نیت خاص بگیرد و گوش و چشم و زبان خود را از مردم، نگه دارد خداوند عالم روزه آن را قبول می‌کند. خداوند گناهان گذشته و آینده او را می‌آمرزد و ثواب صبر‌کنندگان را به می‌فرماید؛

از آنجایی که روزه خاص روزه اعضا و جوارح است انسان روزه دار باید چشم خود را از دیدن چیزهای ناپسند و نکوهیده باز دارد، فیلم‌های نامشروع نگاه نکند به ناموس مردم چشم به نداشته باشد. زبان خود را حفظ کند جز در راه رضای خدا، سخن نگوید، یاوه سرایی نکند، دروغ، غیبت و بد دهنی نکند.

گوش خود را از شنیدن سخنان و صدای حرام دور سازد، زیرا هر سخنی که گفتنش حرام باشد، گوش فرا دادن نیز به آن حرام است. قرآن کریم، گروهی را که به سخنان حرام گوش فرا می‌دهند با کسانی که مال حرام می‌خورند در یک مرتبه قرار داده است. میفرماید: «وَسَمَاعُونَ لِكَذِبِ أَكْلَوْنَ لِسُّحْتٍ». گوش کنندگان به دروغ و خورندگان مال حرام.^{۲۷}

حفظ بقیه اعضای بدن مثل دست و پا از انجام اعمال ناشایست و باز داشتن شکم از خوردنی شبهه ناک، زیرا محترمات به منزله سمومی هستند که دین را هلاک می‌کنند و روزه پاد زهر آن است. چه بسا روزه دارانی که جز گرسنگی و تشنجی چیزی نمی‌کشنند و بهره‌ای از آن نمی‌برند.

^{۲۷} - سوره مائدہ (۵)، آیه ۴۲

امام علی فرمود: «کم مزن صائم لیسَ لَهُ مِنْ صِيَامِهِ إِلَّا الْجُوُحُ وَ الظَّمَاءُ...»^{۲۸}

«بسا روزه داری که از روزه خود جز گرسنگی و تشنگی نصیبی نمی برد....»^{۲۹}

روزه خاص الخاص

روزه قلب از خیالات پست و افکار دنیوی و بازداشت آن از اشتغال به غیر خدا را که رتبه پیامبران، معصومین و مقربان درگاه الهی است. روزه خاص الخاص می نامند.

امام علی (علیه السلام) در اشاره به این مرتبه می فرماید: روزه دل، بهتر از روزه زبان است و روزه زبان، بهتر از روزه شکم.

هم چنین می فرماید: روزه دل از اندیشیدن به گناهان، برتر از روزه معده از طعام است.^{۳۰} زیرا روزه و خود داری نفس از لذت‌های دنیا، سودمندترین روزه است و این همان روزه حقیقی است.

بطلان این مرتبه از روزه با اندیشیدن در غیر مبدأ و معاد است. اندیشیدن در مورد دنیا جز در موردي که برای دین باشد، این روزه را باطل می کند. هر یک از این دو مرتبه اخیر، به نسبت تلاش روزه داران و آمادگی آنان، مراتب بسیاری دارد، علاوه بر این که خود روزه هم از زاویه انگیزه‌های روزه دار، گوناگون است. نقطه اوج این مراتب، حال روزه داری است که انگیزه روزه داراش، نه بیم از کیفر و نه شوق به ثواب؛ بلکه تنها به خاطر فرمان برداری از فرمان الهی، و علاقه‌مندی به تقریب به خدای سبحان و کسب رضا و لقای اوست. پس چون روزه می گیری به این نیت باش که از امیال و شهوات خودداری کنی و از وسوسه‌های شیطانی دوری گزینی.

^{۲۸}- محمد رضا جباران، همان، ص ۱۷۶.

^{۲۹}- دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ره توشه راهیان نور ویژه ماه مبارک رمضان، همان، ص ۲۹.

فصل سوم:

فلسفه روزه

تشريع روزه در اسلام

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُم تَتَّقُونَ^{۳۰}

ای افرادی که ایمان آوردید! روزه بر شما نوشته شده، همان گونه که قبل کسانی که بودند نوشته شد؛ تا پرهیزکار شوید.

أَيَامًا مَعْدُوداتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَةٌ مِنْ أَيَامٍ أُخْرَ وَ عَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدِيَةٌ طَعَامٌ مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَ أَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ.^{۳۱}

چند روز محدودی را (باید روزه بدارید!) و هر کس از شما بیمار یا مسافر باشد تعدادی از روزها دیگر را (روزه بدارد) و بر کسانی که روزه بر آنها طاقت فرسا است، (همچون بیماران مزمن و پیران) لازم است کفاره بدھند، مسکین را اطعم کنند. و کسی که کار خیری انجام دهد، برای او بهتر است. و روزه داشتن برای شما بهتر است اگر بدانید.

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلِيصُمِّمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَةٌ مِنْ أَيَامٍ أُخْرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكَمِّلُو الْعِدَةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشَكُّرُونَ.^{۳۲}

((روزه، در چند روز محدود) ماه رمضان است؛ ماهی که قرآن برای راهنمایی مردم، و نشانه‌های هدایت، و فرق میان حق و باطل، در آن نازل شده است. پس آن کس از شما که در ماه رمضان در حضر باشد. روزه بدارد او آن کس که بیمار با در سفر است، روزه‌ای دیگری را به جای آن، روزه بگیر! خداوند، راحتی را می‌خواهد نه زحمت شما را! اهداف این است که این روزها را تکیل کنید؛ و خدا بر این که شما را هدایت کرده، بزرگ بشمرید؛ باشد که شکر گذاری کنین! در آخر ماه شعبان، سال دوم هجرت که یک سال و نیم از اقامت رسول خدا (صلی الله و آله و سلم) در مدینه سپری می‌شد بنابر برآیه ۱۸۳ سوره بقره روزه بر مسلمانان واجب گردید و بلا فاصله فلسفه این عبادت انسان ساز و تربیت آفرین را در یک جمله‌ی کوتاه، اما پر معنا چنین بیان می-

^{۳۰}- سوره بقره (۲)، آیه ۱۸۳

^{۳۱}- همان، آیه ۱۸۴

^{۳۲}- همان، آیه ۱۸۵

کند. «تا پرهیزکار شوید»^{۳۲} «أَعْلَمُم تَتَّقُونَ» تقوا به معنای خویشتن داری از گناه است و بیش تر گناهان از دو ریشه غضب و شهوت سرچشمه می‌گیرد. روزه جلو تندی‌های این دو غریزه را می‌گیرد که یقیناً سبب کاهش فساد و افزایش تقوا می‌شود. بله، روزی یکی از ارکان دین به شمار می‌رود و عمل عبادی است که در کنار نماز و زکات واجب شده است.^{۳۳}

اهمیت روزه به قدری است که در روایات پاداش بسیاری از عبادات را هم چون پاداش روزه دانسته-^{۳۴} اند. روزه هر چند که برامت‌های پیشین نیز واجب بوده ولی روزه ماه رمضان مخصوص انیباء بوده است. ولی در امت اسلام روزه‌ی ماه رمضان برای همه واجب شده است. و علت واجب شدن آن نیز پرهیزکاری بیان شده است؛ زیرا روزه یک تمرین عملی جهت رضای خدا و اطاعت امر و بندگی اوست.

روزه، پشت کردن به خواهش‌ها نفسانی و چنگ و ستیز انسان با تمایلات و خواهش‌های شهوانی و در نتیجه دور شدن از آنه و نزدیک شدن به خداوند است از آن جا که انجام این عبادت با محرومیت از لذایذ مادی و مشکلات- مخصوصاً در فصل گرم تابستان- همراه است. تعبیرات مختلفی در آیه‌ی صدوهشتادوسمه سوره‌ی بقره به کار رفته که روح انسان را برای پذیرش این حکم آماده می‌کند. از جمله خطاب با «يا أَيَّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»! چنان که امام صادق(علیه السلام) می‌فرماید: لذت خطاب «يا أَيَّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» آن چنان است که سخنی و مشقت این عبادت را از بین می‌برد.^{۳۵}

خداوند در ادامه یعنی در آیه ۱۸۴ و ۱۸۵ سوره‌ی بقره در مورد برخی از احکام و زمان روزه شرح می‌دهد. در آیه ۱۸۴ برای اینکه از سنگینی روزه کاسته شود نخست می‌فرماید: «چند روز معدودی را باید روزه بدرید» آیاماً معدودات. هم چنین کسانی که در سفر یا بیمار هستند و روزه بر آنها مشقت دارد از روزه گرفتن معاف هستند و کسانی که با نهایت زحمت روزه می‌گیرند مطلق وزه بر آنها واجب نیست. بلکه به جای آن کفاره بدھند. پس تسلیم فرمان خدا بودن، ارزش واقعی است. اگر دستور، روزه گرفتن است، باید روزه گرفت و اگر حکم افطار کردن است باید روزه را شکست.

۱- ناصر، مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، چاپ پنجاه و هفتم، نشر دارالکتب الاسلامیه، سال ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۷۰۳.

۲- ابی جعفر، کلینی رازی، اصول کافی، چاپ بیستم، نشر دارالحدیث، سال ۱۴۲۹ق، ص ۱۰۰.

۳- ناصر، مکارم شیرازی، ج ۱، همان، ص ۷۰۴.

در مجمع‌البیان آمده است گروهی از اصحاب در حال سفر روزه گرفته و مایل نبودند که روزه خود را بشکنند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نام آنان را گناهکاران گذاشتند و تا رسول خدا زنده بود آنان با همین نام خوانده می‌شدند و امام صادق (علیه السلام) فرمودند: کسی که در ماه رمضان، در مسافرت و زه بگیرد مانند آن است که در وطن، روزه‌ی خود را خورده باشد. نیز فرمودند: اگر کسی در سفر روزه بگیرد، من بر جنازه او نماز نمی‌گذارم.^{۳۶}

در پایان آیه می‌فرمایید: «روزه گرفتن برای شما بهتر است اگر بدانید.»

«وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» این جمله تاکید دیگری بر فلسفه‌ی روزه است و اینکه این عبادت بر جاه و جلال خداوند نمی‌افزاید بلکه تمام سود و فایده‌ی آن عاید عبادت کنندگان می‌شود.

در آیه ۱۸۵ زمان روزه و فلسفه آن را بیان می‌کند. نخست می‌فرمایید: آن چند روز معدوث که باید روزه بدارید ماه رمضان است. «شَهْرُ رَمَضَانَ» ماه رمضان ماهی که قرآن در آن نازل شده است، قرآنی که مایه‌ی هدایت همه انسان‌ها در همه اعصار می‌باشد. سپس حکم روزه‌ی مسافران و بیماران را دوباره بیان می‌کند تا به انسانها بفهماند که همان طور که روزه گرفتن برای انسان سالم واجب است افطار کردن برای افراد فوق یک فرمان الهی و مخالفت با آن گناه است در قسمت دیگر آیه به فلسفه‌ی تشریع روزه پرداخته، می‌فرمایید: «خداوند راحتی شما را می‌خواهد و زحمت شما را نمی‌خواهد»: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» که اشره به این دارد، گرچه روزه در ظاهر یک نوع سخت‌گیری و محدودیت است اما سرانجامش راحتی و آسایش است هم از لحاظ معنوی هم از لحاظ مادی. چرا که در این ماه انسان‌ها می‌همان خداوند هستند و خداوند می‌بازان آن‌ها است. این مهمانی هیچ سنتیتی با میهمانی‌های دنیوی ندارد. خداوند عالم، غنی، خالق و باقی می‌بازان انسان‌های، جاهم، فقیر و مخلوق است. غذای این ماه گرسنگی و تشنگی است. خداوند با تشنگی و گرسنگی انسان‌ها را شستشو می‌دهد تا پاک گرددند و غذای روح آنها تلاوت قرآن می‌باشد و در آخر آیه می‌فرمایید: که خدا را به خاطر نعمت بزرگ هدایت شکر گذار باشید. اما انسان زمانی می-

^{۳۶}- ابن علی فضل بن حسن، طبرسی، ترجمه تفسیر مجمع‌البیان فی تفسیر قرآن، (رضا ستوده نیا)، ج ۲، تهران: انتشارات فراهانی، سال ۱۳۶۰، ص ۲۰۴

تواند شکرگذار این نعمت بزرگ باشد که آن را درک کند و درک آن بستگی به انجام وظایف بندگی، با اخلاص کامل و شناخت حقیقی و آگاهی از فلسفه‌ی آن «روزه» است.^{۳۷}

منظور از صبر همان روزه است

(وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّابِرِ وَ الصَّلَاةِ وَ إِنْهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْغَاسِقِينَ)^{۳۸}

از صبر و نماز یاری جویید(و با استقامت و کنترل هوس‌های درونی و توجه به پروردگار نیرو بگیرد) و این کار جز برای خاشuan گران است.

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّابِرِ وَ الصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ)^{۳۹}

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از شکیبایی و نماز یاری جویید زیرا خدا با شکیبایان است.

انسان در مسیر زندگی و صعود به قله‌ی کمال و سعادت همواره با دشمنان درونی و بیرونی در جنگ و ستیزه است و برای اینکه بتواند بر این دشمن غدار پیروز شود با نیروی تقوای خود را تقویت کند و به آن درجه کمال برسد. قرآن در آیه ۱۵۳ و ۴۵ سوره‌ی بقره راه پیروزی را صبر و صلاة داند و حی فرماید: (استَعِينُوا بِالصَّابِرِ وَ الصَّلَاةِ) «به صبر و نماز استمداد کنید» صبر خودداری از خواسته‌ها، نگهداری نفس و خویشتن داری ا هوسهاست و مراد از صبر در این آیات در بین امامان معصوم(علیه السلام) روزه است. در کافی، امام صادق(علیه السلام) در شرح آیه مبارکه فرمود: صبر روزه است و فرمود: هنگامی که گرفتاری شدیدی به انسان روی آورد روزه بگیرد.^{۴۰}

^{۳۷}- زین العابدین، قربانی لاهیجی، تفسیر جامع آیات الاحکام، ج ۳، چاپ دوم، نشر سایه، سال ۸۴، ص ۱۷۲.

^{۳۸}- سوره بقره (۲)، آیه ۴۵.

^{۳۹}- همان، آیه ۱۵۳

^{۴۰}- سید محمد، طباطبایی، تفسیر المیزان، مترجم، (سید محمد باقر موسوی همدانی)، ج ۲، چاپ اول، قم انتشارات اسلامی، سال ۱۳۷۴، ص ۲۰۴.

خداوند عزو جل می فرماید: استمداد کنید به روزه و نماز. هم چنین در کافی از امام صادق(علیه السلام) نقل می -
کند که فرمود: هر وقت امر و پیش آمدی علی(علیه السلام) را به وحشت می انداخت، بر می خاست و به نماز
می ایستاد، و می فرمود: استَعِينُوا بِالصَّابِرِ وَ الصَّلَاةِ. از صبر و نماز کمک بگیرید.^{۴۱}

در تفسیر عیاشی از ابن الحسن(علیه السلام) روایت آمده که فرمود: صبر در این آیه به معنای روزه است، و هر گاه
امر ناگواری برای کسی پیش آید، روزه بگیرد، تا بر طرف شود، چون خدای تعالی فرمود: «وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّابِرِ وَ
الصَّلَاةِ وَ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْغَاسِقِينَ». ^{۴۲}

شاید استمداد از روزه این باشد که یک دوره تمرین عملی و مقابله با شهوات نفس است. تا انسان به خدا
نژدیک شود. پس این تمرین عملی وجود انسان و اراده‌ی او را نیرومند می‌کند و در مقابل خواسته‌های نفس
پیروز می‌شود. پس صبر همان روزه است.

خداوند منان و بخشندۀ برای زندگی بشر قانون و برنامه‌هایی نصب کرده است. تا انسان به وسیله این برنامه-
ها به مقام والای انسانیت دست یابند. و در قرآن که کتاب جامع هدایت و سعادت انسان است به این برنامه-
ها اشاره شده است که هر یک از آنها دارای فلسفه و حکمتی هستند یکی از مهم‌ترین این برنامه‌ها روزه
است. روزه هم مانند سایر احکام و برنامه‌های اسلام از حکمت و مصلحت خاصی سرچشمه می‌گیرد. که
کوشاهی از این حکمت‌ها عبارتند از:

الف- تقوا

مهم ترین ثمره روزه تقوا است. تقوا در واقع وسیله نگهداری و نگه دارندگی است. تقوا، پرهیز از
عقاب، اطاعت خداوند و صیانت نفس است.

امام صادق(علیه السلام) می فرماید: تقوا آن است که به کاری که خداوند دستور فرمود پردازی و از کاری که از

^{۴۱}- همان.

^{۴۲}- همان.

آن نهی شمرده دوری گزینی.^{۴۳}

شخص متقدی در درون خویش نخست به عظمت خداوند احساس و ادراکی که دارد که در باطن او حالت مراقبت پدید مبی آورد و این مراقبت باطنی برای او، موجب اطاعت خدا و پرهیز از معصیت می گردد. بنابراین خوف، حفظ و صیانت، خویشتن داری و پرهیز کاری لازمه تقوا می باشد.

حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: به تقوای الهی جنگ زنید، زیرا تقوا دارای ریسمان محکم و استواری است.^{۴۴} تقوا برای خود جایگاه و کانونی دارد، کانون این خصلت اخلاقی و حیات بخش در درون انسان قرار دارد و آن قلب انسان است و آثار آن در جوارح و اعضای انسان ظاهر می شود. وقتی انسان با تقوا شد، جز خداوند همه چیز در نظرش کوچک و ناچیز می شود.

مهم ترین فلسفه روزه تقوا است یعنی انسان به وسیله روزه به تقوا دست می یابد. انجام روزه حقیقی یا همان روزه خاص که علاوه بر خودداری از خوردن و آشامیدن - یعنی روزه شکم - پرهیز اعضا و جوارح از گناهان می باشد انسان را در رسیدن به مرحله تقوا کمک می کند.

روزه حقیقی بستر مناسبی را برای ایجاد تقوا فراهم می سازد. افرادی که سالیانه یک دوره یک ماههای را برای مبارزه با خواسته های درونی می گذرانند از آمادگی روحی و ایمانی بیش تری برخوردار می شوند و در مقابل شهوت و تمایلات نفسانی مقاومت بیش تری نشان می دهند، از رذایل اخلاقی به کلی دوری می کنند، می توانند بر نفس خود پیروز شوند و عملاً ثابت می کنند که هم چون حیوان، در بند اصطبل و علف نیستند، آنها می توانند کنترل امور نفسانی سرکش را به دست بگیرند و با تمرین های پیگیر و خستگی ناپذیر از وسوسه ها دشوار شکم و شهوت بگذرند و در برابر شهوت و هوس های نفسانی ایستادگی کنند. برای شخص روزه دار این مراقبت ثمر بخش در ماه مبارک رمضان آسان تر می شود؛ زیرا علاوه بر پرهیز از خوردن و آشامیدن و پرهیز از اعضا و جوارح از گناه، مسایل معنوی دیگری هم چون دعا، قرائت قرآن و راز و نیاز به درگاه معبد، فضای معنوی خاصی را برای انسان بوجود می آورد تا از رذایل اخلاقی دوری گزیند و شعله های سرکش نفس را خاموش کند.

۴۳- عبدالله، جوادی آملی، نشانه های پروا پیشگی، چاپ چهارم، قم: مرکز نشر هاجر، تابستان ۹۰، ص ۲۲.

۴۴- نهج البلاغه، خ ۱۹۳، ص ۳۰۳.

با مراقبت پیاپی در یک ماه، نیروی بازدارنده از گناه در او به وجود می‌آید و خصلت تقوا و خودداری در او ریشه می‌گیرد و رشد می‌کند و او به گذراندن این برنامه یک ماهه توفيق می‌یابد تا در ماههای دیگر سال نیز پرهیز کار باقی بماند.

وقتی انسان چشم از تمام این لذت‌های دنیوی بپوشاند، دیگر پرداختن به لذت‌های شهوانی و نفسانی برای او ناچیز و بیهوده تلقی می‌شود و لذت را فقط در رسیدن به مقام والای انسانیت می‌داند. این جاست که او به درجه تقوا دست می‌یابد، و از حفیض نفس حیوانی به فرشتگان می‌رسد؛ زیرا تقوا محور کرامت به حساب می‌آید. هر انسان با تقوا کرامت می‌یابد، هر کس که با تقواتر باشد در نزد خدا گرامی‌تر است، و چون کرامت از اوصاف فرشتگان است و کسی که به کرامت نائل شد، گناه نمی‌کند؛ زیرا گناه با کرامت سازگار نیست.

ب- قویت اراده و کنترل هوای نفس

در وجود انسان نیروی است به نام اراده که انجام کارها به آن نسبت داده شده است که در کیان و شخصیت آدمی بسیار مؤثر است. تا جایی که مردم با دیدن اعمال انسان در خارج، شخصیت او را ارزیابی می‌کنند و می‌گویند: بی اراده است، یا اراده آهنین دارد و یا ضعیف است. انسانی که دارای اراده ضعیف و یا بی اراده بوده، دارای شخصیت والایی نبوده و نمی‌تواند در هر دو راهی مقاومت کند، لذا مغلوب هوا نفس می‌شود و راه صحیح را نمی‌تواند انتخاب کند. و تنها راهی که برای مبارزه با این نفس سرکش و طغیان گر وجود دارد، روزه است. زیرا روزه یعنی ایستادگی در مقابل شکم و شهوت؛ زیرا شهوت با شکم در ارتباط است. وقتی انسان توانست جلو شکم خود را بگیرد. شهوت او هم فروکش می‌شود. در نتیجه نیروی خویشن داری از گناه در آن قوت می‌گیرد، به تدریج بر اراده خود مسلط می‌شود و در برابر هر گناهی عنان اختیار را از کف نمی‌دهد.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «برای روزه فواید بسیاری است از جمله اینکه روزه تمایلات نفسانی را به زانو در می‌آورد، چرا که هرگاه شکم پر شد از حرام و شببه، فرج به حرکت در می‌آید، خواهش‌های باطل در نفس خطور می‌کند، زیرا شهوت فرج از شهوت شکم ناشی می‌شود. اگر شگک عفیف باشد، به قدر ضرورت

اکتفا کند و از حرام و شبیه اجتناب نماید، برون شکم فرج عفیف می‌شود، و هر گاه هر دو عفیف شد حیات دل که عبارت است از صفاتی باطن، حصل خواهد شد.»^{۴۵}

قتی وجود انسان در طی یک ماه تمرین عملی دارای چنین صفاتی نورانی شد. اراده آهنین در او به وجود می‌آید و می‌تواند نفس خود را کنترل کند. و نتیجه‌ی اراده آهنین، اطاعت خداوند، کنترل هوا و هوس و نورانیت روح و روان در انسان است که همه این‌ها ثمره عملی به نام روزه می‌باشد.

ج- آزمودن اخلاق

امام علی (علیه السلام) فرموده است: «فَرَضَ اللَّهُ... الصِّيَامُ إِبْلَاءً لِِالْخَلَقِ.»^{۴۶}

خداوند.... روزه را برای آزمودن اخلاق بندگان واجب کرد.

اخلاق یعنی اینکه نیت انسان پاک باشد و هر کاری که انجام می‌دهد برای خدا باشد. اخلاق امری قلبی است و قبولی اعمال بستگی به مقدار خلوص انسان دارد. کمال اخلاق اجتناب از گناه‌هان است و تنها با استمداد الهی و دریافت نفسانی حاصل می‌شود و انسان مخلص کسی است که دلش پاک و اعضا و جوارحش سالم گناه باشد.

روزه یعنی انسان خودش را برای خداوند خالص کند، یعنی بندگی خدا را بکند نه بندگی نفس را. روزه مانند یک صافی عمل می‌کند و انسان را از گناه پاک و سالم می‌کند. روزه در واقع، ایستادن در مقابل شهوت‌های نفسانی و تمایلات دنیوی برای رسیدن به خداست. وقتی انسان روزه می‌گیرد تمام اعضا و جوارح او از گناه اجتناب می‌کنند و خواسته‌های نفسانی فروکش و خاموش می‌شوند و انسان در واقع با روزه به درجه تقوای دست می‌یابد. آن وقت است که انسان جز خدا هیچ نمی‌بیند، و هر کاری که انجام می‌دهد برای رضای خداست، وقتی انسان با تقوای شد به یقین می‌رسد و ثمره یقین اخلاق است. انسان‌ها در ماه مبارک رمضان، ماه بندگی، درجه اخلاق خود را محک می‌زنند تا ببینند که تا چه اندازه می‌توانند خود را برای خدا خالص کنند، چقدر از این دنیا فاصله بگیرند و به خدا نزدیک شوند. انسان با روزه گرفتن در ماه رمضان سعی می‌کند اخلاق را در خود استوار کند تا گذر یک سال که در پیش دارد این خصلت د

^{۴۵}- دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، رمضان تجلی معبود، همان، ص ۸۱

^{۴۶}- میرزا احمد، آشتیانی، طرائف الحكم یا اندرزهای ممتاز، ج ۱، بی‌چا، نشر کتابخانه صدق، ص ۴۲۴.

وجودش تنظیم شود و رنگ نباشد. در واقع روزه تمرینی برای استواری و تثبیت اخلاص نیز هست. چنان که حضرت زهراء(سلام الله علیها) می‌فرماید: «**فَرَضَ اللَّهُ الصِّيَامَ تَثِيبًا لِّلَا خِلَاصٍ**». ^{۴۷}

خداؤند روزه را برای تثبیت اخلاص «در دل مردم» واجب کرده است.

۵- حکمت

امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) فرمود: پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) از پروردگارش در شب معراج پرسید.... پروردگار! امیراث روزه چیست؟

فرمود: روزه، حکمت می‌آورد و حکمت، معرفت می‌آورد و معرفت، به یقین می‌رساند. و چون بنده به یقین رسد دیگر برایش اهمیتی ندارد که چگونه شب و روز خود را بگذراند؛ به سختی یا به آسانی». ^{۴۸}

۶- زکات و سالم سازی بدن

امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) می‌فرماید: خداوند، بندگان مؤمن خویش را با نمازها، زکات‌ها و تلاش برای روزه گرفتن در روزهای واجب شده، نگهداری کرده است تا اعضایشان آرامش یابد و چشمانشان خشوع پیدا کند. زیرا در نماز است که به تواضع چهره‌ها نیکو از سر تواضع به خاک می‌غلند و شکم‌ها در روزه داری، از روی خصوص، به پشت می‌چسبند. و در زکات است که ثمره زمین و غیره آن به مستمندان و مسکینان داده می‌شود. ^{۴۹}

از دیدگاه امام علی(علیه السلام) روزه نوعی زکات است که به تن آدمی تعلق دارد: چنان که می‌فرماید: «لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ وَ زَكَاةُ الْبَدَنِ الصِّيَامُ». برای هر چیزی زکاتی هست و زکات بدن روزه است. چرا که با زکات جان و مال پاکیزه می‌شود. ^{۵۰}

^{۴۷}- محمد، روحانی علی آبادی، زندگانی حضرت زهراء(سلام الله علیها)، بی‌چا، انتشارات مهامت، ص ۸۲۷

^{۴۸}- استاد محمد تقی، مصباح یزدی، همان، ص ۲۰۳.

^{۴۹}- محمد، محمدی ری شهری، همان، ج ۵، ص ۲۸.

^{۵۰}- موسی، خسروی، مواعظ امامان(علیه السلام)، ترجمه جلد هفدهم بحار الانوار، بی‌چا، نشر اسلامیه، ص ۵۶

با روزه بدن انسان سالم می شود و انسان به تدرستی می رسد. چنان که قرآن می فرماید: روزه داشتن و روزه گرفتن (برای صفائ روح و سلامت بدن) از هر کاری بهتر است. اگر فواید بی شمار این عمل را بدانید. هم چنین پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: «صُومُوا تُصِحُّوا». روزه بگیرید تا به صحبت و سلامتی برسید.^{۵۱}

روزه داری جسم و جان انسان را سالم می کند، چرا که گفته اند: عقل سالم در بدن سالم است. دانشمندان اسلامی و غیر اسلامی در این باره جزوها و کتابهای زیادی نوشته اند و برخی از آثار آن را بیان کرده اند: از جمله: رفع سوء هاضمه، تقویت بهداشت عمومی، جلوگیری از آپاندیس، پاک سازی مجاری ادرار، رفع بیماری‌ها و امراض جلدی و دفع چربی‌های زاید. روزه در درمان بسیاری از بیماری‌های غیر قابل علاج مؤثر است.

به هر حال نقش روزه داری در سلامت تن و تکامل روح غیرقابل انکار است. شاید به همین دلیل باشد که قضای روزه واجب است. حتی زن حائض که قضای نمازهایش بر او واجب نیست؛ اما قضای روزه‌های نگرفته بر او واجب است.

در روزه، ابتدا اگر سنگی و گاهی نوعی تحرك عصبی و عد ضعفی احساس می شود، زبان باردار می شود، عرق بدن زیاد می شود، دهان پربو می شود و گاهی آب از بینی جاری می شود، که همه این‌ها علامت شروع شستشوی بدن است.

پس از این عملیات تمام اعضای بدن، مواد خاص خود را برای نگهداری و تعادل محیط داخلی و قلب، قربانی می کند و پس از سه چهار روز بو بر دهان بر طرف می شود، اسید اوریک ادرار کاهش می یابد و به انسان احساس سبکی و خوشی خارق العاده‌ای دست می دهد و به این ترتیب روزه تمام بافت‌های بدن، رگ‌ها، اعصاب، اجزای بدن، روده‌ها و شرایین را می شوید و به آنها تازگی و شادابی می دهد.

روزه، ضعف، احتقان (بند آمدن بول)، چاق بدن، زخم معده و چربی بالای خون را بر طرف می سازد. درست به همین دلیل است که بیان شده روزه عمر را طولانی می کنده به جسم شادابی می دهد و انسان را از کسلی و سستی نجات می بخشد و به آن حیات دوباره می دهد.

^{۵۱}- هادی، ربانی، همان، ص ۲۱۲.

دکتر(تومانیاس) رجع به فواید روزه داری می‌نویسد:(فایده بزرگ کم خوردن و پرهیز نمودن از غذاها در یک مدت کوتاه آن است که چون معده در طول مدت یازده ماه مرتب پر از غذا بوده، در مدت یک ماه روزه داری مواد غذایی خود را دفع می‌کند و همین طور کبد که برای حل و هضم غذامجور است دائمًا صفرای خود را مصرف کند، در مدت سی روز شعات صفرایی را صرف حل کردن باقی مانده غذای جمع شده خواهد کرد. دستگاه هاضمه در نتیجه کم خوردن غذا، اندکی فراغت نموده و رفع خستگی می‌نماید. امراضی که به دستگاه هاضمه، به خصوص کلیه و کبد عارض می‌شود و توسط دارو نمی‌توان آنها را علاج نمود، روزه به خوبی معالجه می‌نماید.

مرض مخصوص کبد هم که موجب یراق می‌گردد، بهترین طریق معالجه‌اش همان روزه گرفتن است. بیمارهای بسیاری توسط روزه معالجه شده است از جمله التهاب معده، التهاب حنجره، سفلیس، سل، درد چشم، درد مزمن سینه، بیمارهای عصبی، کم خونی و بالاخره غده‌های سرطانی و ترک اعتیاد.

بنابراین روزه به انسان سلامتی هدیه می‌دهد، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: خوردن غذا هنگام سیری موجب بیمار برص است. این حدیث شریف نماینگر این معنی است که ریشهٔ پیسی و برص از غذا و پر خوری است سپس روزه موجب تعديل و تنظیم سیستم گوارشی می‌شود.^{۵۲}

و- همدردی با فقیران

ماه مبارک رمضان، ماه مواسات است. از نتایج بارز روزه، برانگیختن حس همدردی نسبت به مستمندان و هم نوعان تنگدست است. آنان که زندگی آسوده‌ای دارند و رنج فقر و گرسنگی و تشنجی را نچشیده‌اند، ممکن است از حال مستمندان غافل بمانند، روزه وسیله‌ای است که آنان را از غفلت می‌رهاندو رنج مستمندان را به یاد آنان می‌آورد تا به دستگیری فقیران همت گمارند و به درد آنان برسند.

از سویی به احسان و اطعام به مستمندان در ماه مبارک رمضان، بسیار سفارش شده است و از سوی دیگر گرسنگی و تشنجی روزه موجب درک و ضعیف مستمندان می‌گردد، و بدین ترتیب، ثروتمند به فقیر نزدیک می‌شوند و احساساتش تلطیف می‌شود. احسان فزوئی می‌گیرد و جامعه کمک به هم نوع را می‌آموزد.

مواسات، یعنی سهیم ساختن برادران در رزق و روزی؛ رمضان را به همین جهت ماه «مواسات» نامیده‌اند. تا مسلمانان به احسان نسبت به هم بپردازند و با تمرین این صفات ارزنده انسانی، جامعه را از کینه و کبر و

نابرابری برهانند و برادر وار در کنار هم از نعمت‌های الهی بهر بگیرند، پس شایسته است که روزه داران به همه این نکات انسانی توجه کنند و از برنامه‌های سازننده این ماه بهره‌مند شوند.

از امام رضا(علیه السلام) سؤال کردند که علت وجود روزه چیست؟ ایشان فرمودند: تا مردم رنج گرسنگی و تشنگی را بچشند و به دنیازمندی خود در آخر پی برند و روزه دار بر اثر گرسنگی و تشنگی که به او می‌رسد، خاشع و ذلیل و فروتن و طالب رضا و ثواب خدا و عارف و صابر باشد..... و به اندازه سختی تشنگی و گرسنگی که نیازمندان و مستمندان در دنیا می‌چشند، پی برند و در نتیجه، حقوقی را خداوند در دارایی- هایشان واجب فرموده است، به ایشان پردازند.^{۵۳}

هم چنین امام صادق درباره دلیل روزه می‌فرماید: علت روزه گرفتن آن است که به سبب آن توانگر و تهیدست برابر، زیرا توانگر رنج گرسنگی را نمی‌داند تا به تهیدست رحم نماید، چون توانگر هر وقت چیزی را بخواهد می‌تواند آن را فراهم آورد، لذا خدای عزوجل خواست تا میان بندگان خود برابری و همدردی ایجاد کند و رنج گرسنگی و تشنگی را به توانگر بچشاند تا بر ناتوان دل بسوذاند و به گرسنه رحم کند.

وقتی انسان‌ها با هم همدردی می‌کنند و از مشکلات و سختی‌های هم باخبر شوند لطف و احسان آنها به هم بیش تر می‌شود و مشکلات را از بین می‌برند آن وقت هم در احتی و آسایش زندگی می‌کنند.

علاوه بر آنچه بیان شد روزه فوایدی چون نزدیک شدن به خدا، یاد آخرت، صبر و مقاومت در مقابل معصیت و سختی‌ها را برای انسان به ارمغان می‌آورد.

^{۵۳}- محمد، محمدی ری شهری، همان، ج ۷، ص ۳۲۲۰.

فصل چهارم:

عوامل تضعیف ارزش روزه

عوامل تضعیف ارزش روزه

۱- افکار ناپسند

اعمال انسان به انگیزه، فکر و نیت او بستگی دارد. پس انسان باید در انجام کارهایش انگیزه‌ای جز رضای خدا نداشته باشد؛ یعنی انگیزه او باید خدایی باشد؛ وقتی انسان با فکر و نیت پاک عملی را انجام داد. آن وقت عمل او، یک عمل واقعی است و پاداش واقعی آن عمل را دریافت می‌کند.

هیچ کار خوبی با افکار و انگیزه ناپسند مطابقت و هم خوانی ندارد؛ چرا که باعث تضعیف ارزش آن عمل می‌شود. روزه هم عملی است که انسان را به کارهای خوب و افکار درست رهنمود می‌کند و می‌خواهد انسان را از ناملایمات و افکار ناپسند، گناهان، زشتی‌ها و..... دوری کند. البته روزه ظاهری همان خود داری ارادی و مطیعانه از خوردن اغذیه است، ولی روزه نفس، عبارت است از: خود داری حوس پنچگانه از افعال ناستوده و خود داری دل از نیت‌های پلید.

قلب انسان روزه دار باید همسو با خود صائم باشد؛ آدم روزه دار از بسیاری از کارها خود داری می‌کند؛ قلب او هم باید به خاطر حفظ حریم روزه از افکار آلوده و عصیان آمیزه پرهیز و اجتناب نماید و هر گونه افکار ناپسند را از سر خود بیرون کند.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: روزه قلب از اندیشه روی آوردن به گناه از روزه شکم از خوردن غذا برتر است.^{۵۴}

بله روزه به معنی روزه قلب با افکار ناپسند سازگاری نارد. زیرا روزه تمرينی برای نمادینه شدن افکار خوب و خداپسند در وجود انسان است.

کسی که روزه است و در قلب او افکار پلید و گناه آلود وجود دارد. در واقع او روزه نیست و جز گرسنگی و تشنه‌گی چیزی نصیب او نمی‌شود؛ زیرا قلب انسان روزه دار جایی برای افکار آلوده ندارد و ممکن نیست که خوبی و بدی در یک قلب جا بگیرد در نتیجه چنین روزه‌ای برای او هیچ فایده‌ای ندارد. زیرا اعمال انسان به نیات آن‌ها بستگی دارد و وقتی نیت و فکر انسان آلوده به گناه و عصیان شد عمل او هم تباہ می-

^{۵۴}- هادی، ربّانی، همان، ص ۲۱۱

شود. پس کسی که روزه است باید به این فکر باشد که روزه او مقبول حضرت حق باشد تا بتوان به وسیله آن به خدا نزدیک شود و روزه مقبول روزه‌ای است که نه تنها اعضا و جوارح انسان بلکه فکر او هم باید عاری از گناه باشد و به فکر این باشد که چگونه از گناهان دوری کند، چگونه قلب خود را از افکار ناپسند پاک کند زیرا وقتی کسی روزه شد، باید تمام فکر و ذکرش یاد خدا باشد پس در این صورت قلب او آرام می‌شود یعنی یاد خدا آرامش دهنده قلب‌هاست.

- لقمه ناپاک

یکی دیگر از عواملی که باعث تضعیف ارزش روزه می‌شود لقمه حرام و شبهه ناک است. خوردن و نوشیدن به هنگام افطار و سحر، جان مایه روزه داری است. از این رو، از نظر اسلام، حلال یا حرام بودن خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها، اندازه و نوع آنها و هم چنین انگیزه روزه داران از خوردن و آشامیدن، در میزان بھر و ری از روزه نقشی اساسی دارند.

نخستین شرط بھر و ری از روزه، آن است که نیروی تأمین کننده و پشتیوانه‌ی انسان برای رزو گرفتن، حلال باشد. غذای حرام، نه تنها در بھر مندی انسان از آثار و برکات روزه نقش تخریبی دارد، بلکه آفتی است که همه عبادت‌ها را تهدید می‌کند.^{۵۵}

چنان که از پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده است: عبادت همراه با حرام خواری، مثل بنا ساختن بر شن زار است.^{۵۶}

اگر روزه دار بخواهد از روزه‌اش بھر ببرد، سزاوار است که نه تنها از غذاهایی که حرمتشان قطعی است، بلکه از غذاهای شبهه ناک هم پرهیز کند، غذاهای شبهه ناک مثل غذاهایی که از مال مخلوط به حرام تهیه می‌شود، به طوری که جدا کردن حلال و حرام آن، ممکن نیست پس روز باید با لقمه پاک و به دور از هر گونه شبهه گفته شود، بنابراین چنان چه انسان بدون توجه و رعایت حلال و حرام و لقمه شبهه ناک روزه بگیرد، آن روزه از ارزش و اعتباری که شرع برایش تعیین کرده برخوردار خواهد بود. اهتمام به خوردن حلال و پرهیز از حرام خواری یکی از نشانه‌های بارز پیروی از خط و صراط مستقیم است.

^{۵۷} پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: وای به حال کسی که روزه خود را با غذای حرام افطار کند.

^{۵۸} - مجید، جعفر پور، همان، ص ۶۸.

^{۵۹} - همان، ص ۶۹.

پس روزه با غذای حلال روزه واقعی، راستین و دارای ارزش است.

۳- سخن‌چینی

یکی دیگر از عوامل تضعیف روزه سخن‌چینی است. همان طور که قبلاً بیان شد. روزه تنها خود داری از خوردن و آشامیدن نیست بلکه خودداری اعضا و جوارح انسان از گناهان نیز هست.. یکی از این اعضا و جوارح زبان است که شخص روزه دار باید از آن مراقبت نماید زیرا بسیاری از گناهان از جمله سخن‌چینی توسط زبان انجام می‌شود. سخن‌چینی یکی از آفات زبان است که انسان را از راه خدا دور می‌سازد و یکی از رذایل اخلاقی نیز به شمار می‌آید.

امام علی(علیه السلام): «عذاب قبر به خاطر سخن‌چینی است». ^{۵۸}

سخن‌چین از شرورترین افراد به وجود می‌آید. در روایت دشمن‌ترین مردم نزد خدا کسانی هستند که سخن‌چینی می‌کنند. سخن‌چینی باعث عذاب قبر می‌شود، هم چنین بهشت به شخص سخن‌چین حرام می‌شود و آتش جهنم در انتظار اوست. چنان که رسول اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «سخن‌چین وارد بهشت نمی‌شود». ^{۵۹}

این عمل از عوامل تضعیف و کاهش ارزش و اعتبار روزه نیز به شمار می‌آید. پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: پنج چیز روزه را باطل می‌کند: «غیبت، سخن‌چینی، قسم دروغ و نگاه شهوت آمیز». ^{۶۰}

روزه عملی است که انسان‌ها را به محبت کردن، نیکی و صلح و صفا رهنمایی می‌شود و از رذایل و بدی‌ها چون سخن‌چینی پرهیز می‌دهد. کسی که روزه است اگر متوجه شود که بین دو نفر بغض و کینه‌ای وجود دارد باید سعی کند که بین آنها صلح و دوستی ایجاد کند نه اینکه با سخن‌چینی و دو بهم زنی آتش کینه آنها را نسبت به یکدیگر بیش تر کند. زیرا روزه عملی خدا پسندانه است برای پاکی و صفائی قلب انسان. که وحدت و مهربانی و همبستگی را به انسان‌ها هدیه می‌دهد. اما سخن‌چینی از نظر فردی روح و روان و دل انسان را تاریک شخصیت او را از بین می‌برد، و از نظر اجتماعی موجب دودستگی، جنگ و جدال در جامعه

^{۵۷}- مجید، جعفر پور، همان، ص ۶۹.

^{۵۸}- سوره همزه (۱۰۴)، آیه ۱.

^{۵۹}- محمد باقر، مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۲، بی چا، بیروت: موسسه الوفا، ۱۴۰۳، ص ۲۶۸.

^{۶۰}- ابوحامد امام محمد، غزالی طوسی، کیمیابی سعادت (حسین مریو جم)، چاپ یازدهم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، سال ۸۳، ص ۲۱۲.

مسلمین می‌شود و محبت‌ها را به بعض و کینه تبدیل می‌کند با اینکه عظمت مسلمین وابسته به محبت و همبستگی میان آنها است. با توجه به اینکه وحدت، الفت و محبت و همبستگی اجتماع یکی از نتایج روزه است اما شخص روزه دار با سخن چینی خود این فضایل را تبدیل به رذایل و بدی‌ها می‌کند و صلح و صفا را از بین مردم بر می‌دارد و در نتیجه روزه خود را تباہ و باطل می‌کند.^{۶۱}

۴- تکبر و عجب

یکی دیگر از عوامل کاهش اعتبار روزه، رذایل اخلاقی خود بزرگ بینی و تکبر فروشی است. تکبر اولین معصیتی است که در برابر خدا صورت پذیرفته است، و از آن به عنوان اصول ریشه‌های کفر، یاد شده است کسی که روزه است و تکبر می‌ورزد در حقیقت خود را در پیش خدا کوچک و روزه‌اش را نابود کرده است. زیرا چنین روزه‌ای هیچ ارزشی ندارد. چرا که تکبر آن را زایل می‌کند. انسان روزه دار باید دارای فروتنی، خشوع و خضوع باشد نه اینکه دارای تکبر که زشت‌ترین اخلاق است، باشد.

عجب در بسیاری از موارد نیز به معنای تکبر است و گاهی به معنای خود پستدی و خود برتر بینی نیز می‌باشد، هم چنین عجب آن است که انسان خود را قهرمان عمل بداند و برای عمل دیگران هیچ ارزشی قائل نباشد.^{۶۲} کسی که روزه است و روزه خود را از روزه دیگران بهتر و برتر می‌داند و فخر فروشی می‌کند در واقع با نادانی و کوتاه فکری عمل خود را نابود می‌کند. چه بسا که روزه او در پیشگاه خداوند هیچ ارزشی نداشته باشد.

اما روزه آن انسانی که او را بی ارزش می‌دانست در پیشگاه خداوند پذیرفته شود. گاهی انسان که دارای عجب هست به خاطر عملش بر خدا هم منت می‌گذارد. کسی که می‌خواهد با عبادتی کوچک و دست و پا شکسته که به طور کلی با توفیق و نیروی خدا ادی انجام پذیرفته است. بر خدای بزرگ منت نهد، همان بهتر که چنین عبادتی را هرگز به جا نیاورد زیرا پیشینه دیرینه‌ی او را بر باد می‌دهد. پس بهتر است انسان در اعمالی که انجام می‌دهد مراقب تا اسیر عجب و تکبر نگردد.

^{۶۱}- محمدرضا، مهدوی کنی، نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، چاپ ۲۵، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، سال ۱۳۸۸، ص ۲۷۲.

^{۶۲}- جواد، محدثی، برگانه شرح چهل حدیث امام خمینی (ره)، چاپ سوم، قم: مرکز نشر هاجر، سال ۱۳۸۹، ص ۳۱.

۵- حسادت

یکی از آفات و عوامل کاهش ارزش روزه حسد ورزی است. حسد ورزی آرزوی زوال نعمت از کسی است که سزاوار آن نعمت استو شخص حسود علاوه بر آرزوی قلبی، چه بسا کوشش در زوال آن نعمت می‌کند.^{۶۳} امام صادق(علیه السلام) در ذیل آیه «إِنَّى نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا، أَيْ صَمَتًا...» می‌فرماید: «زبان خود را حفظ کنید، چشممان خود را از نگاه به نامحرم بپوشانید. حسد نورزید، نزاح نکنید، و بدون تردید حسد ایمان را نابود می‌کند همچنان که آتش هیزم را نابود می‌کند.»^{۶۴}

باید توجه داشت که حسد آثار منفی جسمی، روحی، دنیوی و اخروی بسیاری هم نسبت به خود حسود دارد، هم چنین رد شدن عبادت از جمله آثار منفی حسادت است در حدیث آمده است: اعمال نیک آدمی وقتی به بالا صعود می‌کند در آسمان پنجم مورد کترول واقع می‌شود و اگر صاحب آن حسود باشد آن عبادت بر سر صاحب خود کوفته می‌شود.

شخص روزه دار باید توجه داشته باشد که حسد بیماری خطرناکی است که علاوه بر زوال روزه باعث خرابی ایمان او نیز می‌شود. امام باقر(علیه السلام) فرمود: «همانا مرد، هر لغزشی را مرتکب می‌شود و آمرزیده می‌شود و همانا حسد ایمان را می‌خورد، آن گونه که آتش، هیزم را می‌خورد.»^{۶۵}

هم چنین کسی که حسد می‌ورزد مورد خشم خداوند قرار می‌گیرد زیرا با این کار دین خود را ریشه کن می‌کند. پس انسان روزه دار باید توجه کند که نعمت‌های الهی فراوان است و اگر شخصی از نعمت بیش تر و موفقیت برتری بهره‌مند است به خاطر لطف خداوند و تلاش و پشت کار و شایستگی خود اوست. شخص روزه دار تا می‌تواند با از حسد ورزیدن نسبت به دیگران خودداری می‌کند اما می‌تواند نسبت به آنها غبطه بورزد به این معنی که آرزوی داشتن آن نعمت را می‌تواند بکند زوال آن را از صاحب نعمت آرزو داشته باشد با چنین توجه‌ی او نیز تلاش خود را افزایش داده و می‌تواند با کوشش و لطف خداوند آن نعمت و شاید بهتر از آن را بدست آورد.

^{۶۳}- ابی القاسم حسین، راغب اصفهانی، مفردات، (محمد سید گیلانی)، بی‌چا، تهران: المکتبة المرتضویة، ص ۲۳۴.

^{۶۴}- ناصر، مکارم شیرازی، همان، ج ۱۳، ص ۵۹.

^{۶۵}- جواد، محدثی، برکرانه شرح چهل حدیث امام خمینی، همان، ص ۶۰.

۶- دروغ گفتن

یکی از معارف روزه، پرهیز از دروغ و آراستن خود به راستگویی است بر این اساس در دعای معروف به جوشن کبیر در بند ۲۷ می خوانیم: ای راستگویان، قرائت این گونه رهنمودها در نیایش‌ها و دعا بدون هدف و منظور نخواهد بود و کم ترین هدف آن این است که ای روزه دار، مواطن باش که در ماه رمضان، زبان تو از صراط صداقت، منحرف نگردد.

یکی از جلوه‌های روزه زبان، پرهیز از دروغ گفتن است؛ زیرا دروغ ارزش و اعتبار روزه را ساقط می‌کند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «بنج چیز روزه را باطل می‌کند؛ دروغ، غیبت، سخن چینی، قسم دروغ و نگاه نامشروع به نامحرمان». ^{۶۶}

امام باقر (علیه السلام) فرمود: «بدون تردید دروغ سبب بطلان روه و افطار روزه دار می‌شود، دروغ گفتن صائم را از صومش جدا می‌سازد و چنان که روزه خود را افطار کرده است». ^{۶۷}

امام باقر (علیه السلام) فرمود: «خدا برای شر و بدی قفل‌هایی قرار داده که کلید آلوده شدن بدان عبارت است از شراب، و البته دروغ از شراب خطرناک‌تر است». ^{۶۸}

انسان دروغگو از درگاه خدا دور می‌شود و فرشتگان او را مورد لعن و نفرین قرار می‌دهند زیرا دروغ از بدترین ریاهای است و هم چنین علامت نفاق است و کسی که دروغ می‌گوید ایمان خود را به وسیله دروغ خراب می‌کند. انسانی دوچار فراموشی نیز می‌شود و از نماز شب خواندن محروم می‌شود.

دروغ از نظر فقهی حرام و ناپسند است و از نظر قرآن مجید بسیار زشت و خطرناک است تا جایی که انسان را از مقام شامخ انسانی و ملکوت تنزل داده و در ردیف شیاطین قرار می‌دهد.

امام صادق در ذیل آیه «إِنَّى نَذَرْتُ لِرَحْمَنِ صَوْمًا» آمده است: زبان خود را حفظ کنید و چشمان خود را از گناه به نامحرم بپوشانید....». ^{۶۹}

^{۶۶}- محمد رضا، جباران، همان، ج ۱، ص ۱۴۹.

^{۶۷}- همان، ص ۱۵۰.

^{۶۸}- جواد، محدثی، برگرانه شرح چهل الحدیث امام خمینی، همان، ۲۷۸.

^{۶۹}- ناصر، مکارم شیرازی، همان، ج ۱۳، ص ۵۹.

امام عسکری فرمود: «جُعَلَتِ الْخَيَاٰثُ كُلُّمَا فِي بَيْتٍ وَ حُبْلَ مِفْتَاحُهَا الْكِذْبَ».»^{۷۰} تمام بدی‌ها در خانه‌ای قرار شد و کلید در آن دروغ انتخاب شده است. این سخن کنایه از این است که دروغ، مبداء و ریشه پیراش همه گونه بدی‌ها و خبائث است.

برخی از دروغ‌ها روزه را باطل می‌کند. اگر کسی، سخنی را که از امام و پیامبر است و او می‌داند که از آنها است ولی وقتی از او سؤال می‌شود، می‌گوید خیر از آنها نیست روزه او باطل می‌شود یا آنکه می‌داند چیزی دروغ است و به آنان نسبت دهد، روزه او باطل می‌شود. روزه کسی که به پیامبر و امامان نسبت دروغ می‌دهد، علاوه بر اینکه باطل می‌شود باید کفاره نیز پرداخت کند.

۷- بدخلقی

اخلاق بد و خوبی ناپسند از رزایل اخلاقی است که نه تنها باعث تضعیف ارزش و منزلت شخص روزه دار می‌شود بلکه روزه او را تباہ می‌کند؛ چرا که بد خلقی اعمال انسان را نابود می‌کند. پیامبر (صلی الله علیه وآلہ وسلم) می‌فرماید: «بد خلقی عمل را فاسد می‌کند، همان گونه که سرکه عسل را فاسد می‌نماید.»^{۷۱} اخلاق بد قلب انسان را سیاه و تاریک می‌کند به طوری که نور ایمان را در قلب او خاموش می‌کند. از این رو بد خلقی گناهی غیر قابل آمرزش است چرا انسان را به جهنم می‌کشاند و شخص بد اخلاق نه در این دنیا جایگاهی دارد و نه در آخرت. چرا که همه انسان‌ها از آن دوری می‌کنند و از آن بدشان می‌آید. اما شخص خوش اخلاق دارای محسن اخلاقی همه مردم را به سوی خود جذب می‌کند و همه از او خوششان می‌آید. از این رو پیامبر (صلی الله علیه و آلہ وسلم) که صاحب حسن خلق بوده و به پیامبر مهربانی و رئوف معروف و مشهور است انسان‌ها را به خوش اخلاقی و حسن خلق دعوت می‌کند زیرا حسن خلق برترین حقیقت در ترازوی عمل در روز قیامت است. هیچ یک از عبادات به عنوان برترین عمل قرار داده نشده‌اند اما حسن خلق برترین حقیقت معروف شده است زیرا حسن خلق می‌توند وسیله برای آمرزش و مغفرت باشد. بنابراین شخص روزه دار باید تلاش کند تا در پرتو اراده خود، خلق و خوهای ناپسند را از خود دور سازد و از این طریق بر ارج و بهای خود به عنوان انسان روزه دار بیفزاید. روزه دار نه تنها باید از اخلاق بد بپرهیزد، بلکه لازم است خود را به اخلاق شایسته بیاراید؛ زیرا این عمر یکی از عوامل غفران نیز است. پیامبر (صلی الله علیه وآلہ وسلم)

^{۷۰}- همان، ص ۶۰.

^{۷۱}- ابی جعفر، کلینی رازی، اصول کافی، ج ۲، چاپ ۲۰، نشر دارالحدیث، ۱۴۲۵، ص ۳۲۳

وسلم) می فرماید: «هر کس در ماه رمضان، اخلاق خود را نیکو گر داند، روزی که پاها در صراط می لرزد، پای او استوار می ماند.»^{۷۲}

هم چنین امام صادق(علیه السلام) می فرماید: «الأخلاق شایسته، گناه را از بین می برد چنانکه تابش خورشید، یخ را آب می کند.» هم چنین پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: «بیشترین چیزی که امت مرا به بهشت می برد، پریزکاری از فوق خدا و نیکویی خلق است.»^{۷۳}

پس، شایسته است که همه انسان‌ها خود را به مارم اخلاق بیارایند. زیرا با مکارم اخلاق است که انسان به جایگاه انسانی خود پی می برد و از این که انسان هست لذت می برد.

۸- غیبت

غیبت یکی از عواملی است که باعث سقوط ارزش روزه می شود و شخص روزه دار را از دست یابی به پاداش بهتر و سزاوارتر محروم می سازد. پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «روزه دار تا زمانی که از مسلمانی غیبت نکرده همواره در حال عبادت است، اگر چه در رختخواب خوابیده باشد.»^{۷۴}

کسی که در ماه رمضان از مرد یا زن غیبت می کند، خدا نماز و روزه او را تا چهل روز قبول نمی کند مگر آنکه فرد مورد غیبت از او راضی شود. کسی که در ماه مبارک رمضان غیبت مسلمانی را بکند در مقابل روزه خود پاداشی بدست نمی آورد. بلکه روزه‌اش باطل می شود. زیرا غیبت اعمال نیک را از بین می برد و تباہ می کند. امام صادق(علیه السلام) فرمود: «غیبت کردن برای هر مسلمان حرام است و همان گونه که آتش هیزم را می خورد، غیبت نیز کارهای نیک انسان را می خورد و از بین می برد.»^{۷۵}

بنابراین شخص روزه دار باید از غیبت بپرهیزد؛ زیرا غیبت از بدترین گناهان است و کیس که غیبت می کند به تعبیر قرآن در واقع گوشت برادر مرد خود را می خورد. این تعبیر نشان‌گر زشتی و بزرگی این گناه است. زیرا انسان با غیبت کردن از دیگران آبروی اور امی برد و چون خود آن شخص هم حضور ندارد تا از خود

۷۲- جواد، ملکی تبریزی، المراقبات، مترجم ابراهیم محدث، بی چا، قم، نشر اخلاق اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۲۱۳.

۷۳- جواد، محدثی، بر کرانه شرح چهل حدیث امام خمینی، همان، ص ۳۰۵.

۷۴- محمد رضا محلاتی، ثواب الاعمال، (انصاری)، بی چا، نشر نسیم کوثر، ص ۱۰۱.

۷۵- همان، ص ۱۰۳.

دغاغ کند، در نتیجه آبرویش از بین می‌رود و شخصیت‌ش در بین مردم له می‌شود. وقتی آبروی مومنی در میان اجتماع بریزد هیچ چیز نمی‌تواند آن را جبران کند.

پس شخص روزه دار علاوه بر اینکه از غیبت پرهیزد باید دیگان را نیز از غیبت کردن نهی کند و اگر ببیند کسی، شخصی غیبت می‌کند علاوه بر اینکه باید شخص غیبت کنند را نهی کند باید از شخص غیبت شده طرف داری کند و از حق و آبروی او دفاع کند.

شخص روزه دار باید بداند که روزه‌ی او عملی است برای اصلاح خود او و جامعه از مفاسد‌های اخلاقی. بنابراین تا می‌تواند باید از رذایل اخلاقی که منشاء بسیاری از گناهان بزرگ هستند دوری گزیند.

۹- تجسم غیبت در رابطه با روزه

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) یک روزه را تعیین فرمودند که در آن روزه همه مسلمین اعم از زن و مرد روزه بگیرند و تا وقتی که حضرت دستور نداده‌اند، کسی افطار نکند.

همه مسلمین روزه گرفتند تا وقتی افطار شد. آنگاه مردم یک به یک خدمت حضرت می‌آمدند و عرض می‌کردند: یا رسول الله! ما تا کنون روزه داشته‌ایم. آیا اجازه افطار می‌دهید؟ پس از آن هم حضرت اجازه می‌دادند، تا نوبت رسید به مردی که آمد خدمت حضرت و عرض کرد: یا رسول الله! دو تن از دخترانم امروز روزه گرفته‌اند؛ ولی خجالت می‌کشند خدمت شما بیایند. آیا اجازه می‌دهید افطار کنند؟ ولی باز حضرت جوابی نداد و از او روی برگرداند. دوباره سخن خود را تکرار کرد، حضرت در پاسخ فرمود: چگونه از من چنین اجازه‌ای می‌خواهی؟ در صورتی که آن دو دختر روزه دار نبوده‌اند؛ زیرا چگونه کسی روزه است مدامی که از صبح مشغول خوردن گوشت مردم بوده است؟ برو به دخترانت بگو اگر روزه دار بوده‌اند، استفراق کنند. آن مرد بازگشت و دستور رسول خدا را به دخترانش رساند. آنها هم استفراق کردند و از دهان هر کدام لخته خونی بسته (مثل گوشت چرکین) خارج شد.

آن مرد با دیدن این صحنه خدمت پیامبر اکرم بازگشت و جریان را به عرض ایشان رسانید. حضرت فرمود: سوگند به آن خدایی که جانم در دست اوست، اگر آن دو لخته خون بسته در شکم ایشان باقی می‌مانند، بدون شک گرفتار آتیش جهنم می‌شوند. سپس فرمود: این دو دختر روزه گرفته‌اند و از آنچه که خداوند

بر ایشان حلال کرده بود، امساک کردند. ولی با چنین که خداوند حرام کرده است، افطار نموده و روزه خود را شکسته‌اند؛ زیرا در کنار یکدیگر نشسته و با غیبت نمودن شروع به خوردن گوشت مردم کردند.^{۷۶}

۱۰- عیب جویی

عیب جویی یکی از صفاتی است که باعث کاهش ارزش روزه می‌شود و ارتباط تنگاتنگی با غیبت دارد. عیب جو و غیبت کننده هر دو در صدر هستند که آبروی مردم را از بین ببرند. هر انسانی دارای عیوب می‌باشد و خالی از نواقص نیست. انسان مومن وظیفه دارد از نشان دادن راه خیر و صلاح دریغ نورزد و عیوب دیگران را بر ایشان متذکر شود؛ زیرا دوست انسان کسی است که عیوبش را برایش بر بگید. امام صادق(علیه السلام) می‌فرماد: **أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَىٰ مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عُيُوبِي.** محبوبترین برادر نزد من کسی است که عیوب را به من

^{۷۷} اهدا کند.»

پس مومن باید عیب برادرش را به او تذکر دهد تا او این عیب خود را بر طرف کند. چرا که اگر متذکر نشود به او خیانت کرده است. زیرا مومن باید مانند آینه باشد و زشتی‌ها و زیبایی‌های برادر دینی خود را نشان دهد. منتهایا به خود او نه به دیگران، که شأن آیه همین است. پس اگر برادر دینی خود را گرفتار عمل ناپسندی می‌بیند باید او را از این کار باز دارد اگر چنین نکند به خیانت کرده است. کسی که می‌خواهد عیب دیگری را به او تذکر دهد باید با حسن نیت و دلی پاک و بی آلایش، تقایص او را یادآری کند. و در حال سخن گفتن کمال ادب و احترام را رعایت نماید و دقت کند که به شخصیت طرف مقابل خود اهانت رواندارد و انتقاد صحیح و سازنده به نیش زدن و عیب جویی تبدیل نگردد. امام حسن عسکری(علیه السلام) فرمود: «کسی که برادر دینی خد را در نهان پند دهد زینت بخش او شده است اما اگر در برابر دیگران نصیحتش کند موجب سرشکستگی او می‌شود.»^{۷۸}

شخص عیب جو هدفی جز رسوایی کردن دیگران ندارد پس برای همین عیوب مردم را در ملائی عام و جلو جمع می‌گوید تا باعث ذلیل شدن آنها شود و از حیثیت و آبروی آنها بکاهد که این خود گناهی بس عظیم است. و کسی که بخواهد دیگران را رسوایی کند خداوند او را در بین مردم رسوای خواهد کرد هر چند در درون خانه و به طور پنهانی مرتکب گناهی شود. افراد عیب جو همانند مگس روی آلوگی‌ها می‌نشینند و تنها

^{۷۶}- محسن، غفاری، ارکان اسلام، چاپ دوم، تهران: انتشارات پیام آزادی، سال ۱۳۷۹، ص ۳۷.

^{۷۷}- محمد رضا، مهدوی کنی، همان، ص ۲۸۳.

^{۷۸}- ابو محمد الحسن، الحرانی، تحف العقول، چاپ پنجم، قم: انتشارات مکتب بصیرتی، ۱۳۹۴.

روی جنبه‌های منفی انگشت می‌گذارند و جنبه‌های مثبت اشخاص را نمی‌بینند و سپس برای اینکه بتوانند آنها را در میان مردم بی‌آبرو و بی‌شخصیت جلوه دهنده شروع به عیب جویی آنها می‌کنند که این خود باعث عذابی دردناک برای آنها در دنیا و آخرت خواهد شد خداوند در قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان مردم با ایمان شیوع یابد عذاب دردناکی برای آنها در دنیا و آخرت است، خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید.^{۷۹}

پس انسان روزه دار باید سعی کند اولاً از این صفت زشت و رذیله دوری گزیند و به حکم مسلمانی، اخلاقی و اسلامی اگر از برادر دینی خود اشتباه و خطای مشاهد کرد در خفا به او تذکر دهد نه اینکه با دیدن یک کار خطأ و اشتباه آبروی او را ببرد و در نتیجه خود را مستحق آتش دوزخ کند. پس اگر شخص روزه دار از دیگران عیب جویی کند نه تنها روزه نسیت بلکه گناهی بزرگ انجام می‌دهد که روزه‌اش باطل و مستحق عذاب می‌شود.

^{۷۹}- نور (۲۴)، آیه ۱۹

فصل پنجم:

عوامل ارتقاء ارزش روزه

عوامل ارتقاء ارزش روزه

همان طور که عواملی باعث ارزش روزه می‌شوند عواملی نیز باعث ارتقاء ارزش روزه و جایگاه شخص روزه داری می‌شود که مهم‌ترین آنها عبارتند:

۱-امام‌شناسی و لایت

یکی از ابعاد معارف روزه، امام‌شناسی است. در بسیاری از دعاهای ماه مبارک رمضان سخن از امام زمان (عج الله تعالی فرجه الشریف) می‌باشد برای مثال در دعای افتتاح در ورد شناخت امام زمان (عج الله تعالی فرجه الشریف) سخن به میان آمده است چنان‌چه که در این دعا می‌خوانیم: «خدایا درود بفرست بر ولی امرت، همان قیام کننده‌ای که امیدش می‌برند و عدالتی که انتظارش را می‌کشند». ^{۸۰} در این جمله از دعای افتتاح دو ویژگی مهم از امام مطرح است: ۱- او قیام کننده‌ای است که همگان آرزوی ظهورش را دارند. ۲- عدالتی است که انتظارش را می‌کشند. وقت در این تعابیر بیان اینست که ویژگی‌های امام عصر را برای مردم بیان می‌کند. ^{۸۱} هم چنین در فراز بعدی این دعا به جانشین بودن او در زمین اشاره می‌کند که می‌گوید: «خدایا او را جانشین خود در زمین گردان، همانسان که پیشینیان او را جانشین خود در زمین گرداندی». ^{۸۲} این جمله بیان‌گر این است که حکومت حضرت مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف) روزی قطعاً و یقیناً تحقق خواهد یافت پس خود را برای ظهورش باید آماده کرد. چنانچه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند آن یک روز را آن قدر طولانی می‌کند تا مردی از دودمان من که نامش نام من است، حاکم بر زمین شود، و صفحه زمین را پر از عدل و داد کند، آن گونه که از ظلم و جور پر شده باشد». ^{۸۳} و در ادامه دعای افتتاح می‌خوانیم: «خدایا نا امنی حضرتش را به امن مبدل ساز». ^{۸۴} یعنی شرایط ظهور حضرت مهیا نیست و شرایط ایشان امن نیست. پس روزه داران در این دعا از خداوند می‌خواهند که شرایط ظهور

^{۸۰}- عباس، قمی، مفاتیح الجنان، (مهدی الہی قمشه‌ای)، چاپ پنجم، مشهد: نشر پیام مقدس، سال ۱۳۹۰، ص ۲۸۶.

^{۸۱}- مجید، جعفر پور، همان، ص ۱۷۰.

^{۸۲}- عباس، قمی، همان، ص ۲۸۶.

^{۸۳}- مهدی، پیشوایان، سیره پیشوایان، چاپ بیستم، قم: موسسه امام صادق (علیه السلام)، بهار ۱۳۸۷، ص ۶۹۵.

^{۸۴}- عباس، قمی، همان، ص ۲۸۷.

حضرت فراهم شود. چرا که حضرت علی(علیه السلام)می فرماید:«زمین از حجت خدا که برای او قیام کند، خالی نماند؛ حجت‌های الهی یا ظاهر یا مشهورند یا در هاله‌ای از خوف و نامنی پنهان هستند.»^{۸۵} پس در حالت نامنی به صورت ناشناس در میان مردم زندگی می‌کنند و به آنان رسیدگی می‌کنند. در فراز دیگری از دعا می‌فرماید: «خدایا! آنچه معرفت حق به ما داده‌ای، ما را قادران آن گردان و آنچه از آن کوتاهی کرده‌ایم، ما را به آن برسان.»^{۸۶} یعنی توفیق شکر آن را به ما عنایت فرماید. که مبادا به جهت ناسپاسی از این نعمت آن را از دست بدھیم و این نعمت همان شناخت و معرفت حق است. چرا که اگر حق را شناخته نشود، نور ایمان در قلب ضعیف خواهد شد چنانچه شناخته نشود در دعای معروفه معرفت است که اگر خدا که همان حق است پیامبر شناخته نمی‌شود و عدم شناخت پیامبر به نشناختن امام شناخته و اگر امام و حجت خدا را نشناسیم گمراه از دین می‌شویم. چنان که در حدیث نبوی می‌فرماید: «هر کس بمیر و امام زمان خود را نشناسد مردنش به مرگ جاهلیت است.»^{۸۷}

امام صادق(علیه السلام) در مورد کم ترین حد معرفت امام می‌فرماید: «کم ترین حد معرفت به امام آن است که (بدانی) امام مساوی با پیامبر است. مگر در درجه نبوت: امام، وارث پیامبر است و همانا اطاعت از او اطاعت از خدا و رسول خداست و باید در هر امری تسليم او بود و به سخن و فرمان او عمل کرد....»^{۸۸}

یکی دیگر از موارد امام شناسی در ماه مبارک رمضان این است که مومنان روزه دار در شب قدر بیشتر دعای فرج بخوانند زیرا در این شب فرشتگان و ملائکه و روح که اعظم ملائکه است به اذن پروردگار به زمین نازل می‌شود و به خدمت امام زمان(عج الله تعالى فرجه الشریف) مشرف می‌شود و آنچه بر هر کس مقدر شده است بر امام(عج الله تعالى فرجه الشریف) عرض می‌شود. هنگامی که از امام باقر(علیه السلام) آیا شما شب قدر را می‌شناسید؟ پاسخ دادند: چگونه آن را نمی‌شناسیم در حالی که فرشتگانی که آن شب نازل می‌شوند به طواف وجود ما می‌پردازنند.^{۸۹} بنابراین در ماه رمضان باید به مسئله امام شناسی توجه زیادی شود تا

^{۸۵}- نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷، ص ۴۹۶.

^{۸۶}- عباس، قمی، همان، ص ۲۸۷.

^{۸۷}- مهدی، پیشوایی، همان، ۶۹۶.

^{۸۸}- سیده‌اشم، بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، بی، چا، قم: انتشارات اسماعیلیان، ص ۳۴.

^{۸۹}- سید محمد، طباطبایی، همان، ص ۶۳۰.

مردم، امام عصر خویش را شناخته و در مسیر صراط مستقیم جهت فراهم ساختن و شرایط و زمینه ظهور حضرت تلاش کنند. تا حکومت عدل الهی در جهان حکم فرما شود.

۲- انتظار

انتظار تنها یک حالت روحی و درونی نسیت بلکه از درون به بیرون سرایت می‌کند و حرکت و اقدام را می‌آفریند. به همین دلیل است که در روایات انتظار عنوان یک عمل و بلکه بهترین عمل معرفی شده است. انتظار به منتظر شکل می‌دهد و به کارها و تلاش‌های او جهت می‌بخشد. شخص روزه دار باید سعی کند که یک منتظر واقعی باشد تا بتواند به کارهای خود در مسیر فراهم ساختن ظهور حضرت جهت بدهد. پس در این زمینه وظایف گوناگونی دارد. که اول باید امام خود را بشناسد. دوم باید الگو پذیر باشد. امام صادق(علیه السلام) فرمود: «هر کس دوست دارد از یاران حضرت قائم(عج الله تعالیٰ فرجه الشریف) باشد؛ باید منتظر باشد و در حال انتظار به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار نماید». ^{۹۰} یکی از روش‌های پرهیزکاری همین روزه می-باشد. سوم به یاد اما خود باشد و همدل و هم پیمان با او باشد. اما باقر(علیه السلام) از پیامبر روایت کرده که فرموده: «خوشابه حال آنان که قائم خاندان مرا درک کنند در حالی که پیش از قیام، از او پیروی کرده باشند با دوستان او دوستی و با دشمنان او دشمنی نموده باشند؛ آنها رفیقان من و اهل دوستی و محبت من و گرامی‌ترین امت من نزد من در قیامت هستند». ^{۹۱} هم چنین شخص روزه دار باید که اگر او برای فرج امام زمان دعا کند نه تنها امام زمان برای او دعا می‌کند بلکه پاداش این کار خود را در دنیا و آخرت خواهد گرفت. امام رضا(علیه السلام) می‌فرماید: «همانا خداوند عزوجل می‌فرماید: انتظار ببرید که یقیناً من همراه شما از منتظرین هستم». ^{۹۲} نیز امام صادق(علیه السلام) فرمود: «اگر کسی از شما (شیعیان) بمیرد در حالی منتظر امر(فرج امام مهدی (عج الله تعالیٰ فرجه الشریف)) باشد همانند کسی است که در کنار قائم و در خیمه‌اش بوده است سپس اندکی درنگ کرد و فرمود: نه، بلکه مانند کسی است که در کنار حضرت جنگیله و شمشیر زده است؛ سپس

^{۹۰}- مجید جعفریبور، همان، ص ۱۷۰.

^{۹۱}- همان، ص ۱۷۱.

^{۹۲}- وحید، خراسانی، به یاد آخرین خلیفه‌ی پروردگار، چاپ چهارم، قم: انتشارات مدرسه امام باقر العلوم (علیه السلام)، تابستان

ص ۸۹.

فرمودن، به خدا قسم، بلکه مثل کسی است که در کنار رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به شهادت رسیده باشد.^{۹۳} پس انتظار واقعی می‌توان یکی از عوامل ارتقاء ارزش روزه و شخص روزه دار باشد.

۳- تحصیل دانش

یکی از معارف روزه تحصیل دانش و توجه به اهمیت علم است. محدث بزرگوار ابن بابویه (رحمه الله) در مجلس نودسه از کتاب امالی، پس از بیان نوافل شب‌های قدر برترین و بهترین عمل را پرداختن به مذکرة عملی بیان می‌کند و چنین می‌فرماید: هر کس در شب‌های قدر به گفت و گوی عملی پردازد و شب را احیاء بدارد بهتر است.^{۹۴} این برتری علم بر عبادت را نشان می‌دهد. چنان‌چه که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به ابوذر فرمود: «ای ابوذر یک ساعت نشستن برای گفتگوی علمی برای تو از عبادت یک سال که روزش را روزه بداری و شبش را به ناز بایستی، بهتر است.^{۹۵} افزون بر این حدیث، روایات بی شماری از اهل بیت (علیه السلام) نقل شده که بیان می‌کنند: آموختن دانش، به جرأت، برتر از عبادت است. از نگاه متون اسلامی، عبادت، نقش بنیادین در پیدایش و تداوم فروغ علم دارند. از این رو هدف احادیثی که علم را برتر از عبادت می‌دانند، تضعیف یا انکار نقش سازنده عبادت در کنار علم نیست؛ بلکه تأکید بر همراه ساختن عبادت با علم و بر حذر داشتن از عبادت ناآگاهانه است که نه تنها بی‌ارزش بلکه خطرآفرین است.

پس شخص روزه دار باید نسبت به عبادت خود (یعنی روزه) و سایر عبادات علم داشته باشد که چگونه عبادت خود را بهتر و برتر انجام دهد. زیرا همان طور که گفته شد عبادت بدون علم و آگاهی بی‌ارزش است.

۴- ذکر

در ماه مبارک رمضان توجه به اذکار، ادعیه و تلاوت قرآن کریم بسیار توصیه شده است چرا که به وسیله اینها قلب انسان به خدا نزدیک‌تر می‌شود تلاوت قرآن اهمیت بسزایی دارد. روح دعا و مناجات و نیایش با خدا روح بندگی را نوازش می‌دهد.

^{۹۳}- مجید، جعفرپور، همان، ص ۱۷۲.

^{۹۴}- همان، ص ۱۷۳.

^{۹۵}- محمدباقر، مجلسی، همان، ج ۱، ص ۲۰۳.

۵- قوائمه قرآن کریم

ماه مبارک رمضان مستقیماً به خداوند سبحان استناد دارد. تنها ماهی که در قرآن کریم نام او آمده است ماه مبارک رمضان است و این ماه را خداوند سبحان به نزول قرآن معرفی کرد و فرمود: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ» عظمت این ماه به نزول قرآن کریم است و این ماه، ماه بهار قرآن نامیده شده است. امام باقر(علیه السلام) می‌فرماید: هر چیزی بهاری دارد و بهار قرآن، ماه رمضان است.^{۹۶}

انسان در این ماه میهمان خداوند است و خداوند هم در این ماه غذایی بنام قرآن برای انسان‌ها فرستاده است. رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: قرآن سفره نیست که هر کس غذای خود را همراه بیاورد و آن را در سر سفره قرآن بخورد کسی حق ندارد خواسته خود را بر قرآن تحمیل کند، برداشتهای خود را به حساب قرآن گذرد. قرآن غذایی است آماده هر کس گرسنه معارف باشد از این غذا استفاده می‌کند.^{۹۷} خداوند در این ماه بندگان را به خواندن قرآن فرا خوانده است. انسان در این ماه میهمان سفره پربار قرآن است، و هر کس به اندازه نیاز و استعدادش می‌تواند از آن تغذیه کند. قرآن نور است و کسی که از آن بهره بگیر نورانی می‌شود. خداوند قرآن را برای هدایت انسانها فرو فرستاد و پیامبر را مبلغ آن قرار داد و هر کس به قرآن رجوع کند در واقع به خداوند رجوع کرده است و توانسته به صراط مستقیم چنگ زند. اهمیت تلاوت قرآن تا جایی است که هر کس در ماه مبارک رمضان اگر یک آیه قرآن را تلاوت کند ثواب یک ختم قرآن را دارد. پس شخص روزه دار نباید چنین سفره پر خیر و برکتی را از دست بدهد بلکه باید سعی کند تا آنهایی که می‌تواند از سفره بهره بگیرد چرا که قرآن هم نور و شفایی برای خود اوست.

۶- دعا و نیایش

یکی دیگر از اعمال مورد توجه ماه مبارک رمضان دعا و نیایش است. حال که بنده از بیراهه به راه و از گمراهی به نور راه یافت و به منزل یار رسید؛ او را صدا بزند با او ارتباط برقرار کند. ماه مبارک رمضان که دعاها مستجاب است فرصتی مناسب است که انسان با خدای خود به راز و نیاز پردازد. در ماه مبارک رمضان لحظه لحظه سرشوار از دعا و مناجات استواین مسئله بیانگر این است که بنده با خدای خود به وسیله این دعاها مناجات کند. حقیقت دعا توجه به بارگاه حضرت معبد است و برای مومنان نوعی معراج روحی

^{۹۶}- همان، ص ۲۱۳.

^{۹۷}- دفتر تبلیغات اسلامی معاونت آموزش حوزه علمیه، ره توشه راهیان نور ویژه ماه مبارک رمضان، ص ۱۴۱.

و معنوی به حساب می‌آید حقیقت و روح دعا توجه قلبی انسان به خداوند عالم است و قوت این توجه به میزان معرفت و محبت انسان به خداوند بستگی دارد. حقیقت دعا چیزی جز عبادت نیست. پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «الدُّعَاءُ مُخْرِجٌ لِّلْعِبَادَةِ»^{۹۸} کسی که دست خویش به درگاه الهی دراز کرد، گردن خود را کج و سر خود را خم می‌نماید، روی به خاک می‌ساید و اشک از دیدگان سرازیر می‌کند و با دعای خود از او حاجت می‌خواهد نهایت شکستگی و تذلل خود را در برابر عظمت الهی نشان می‌دهد؛ خود را فقیر، ضعیف، ذلیل و بی‌چاره و خدا را غنی، قوی، عزیز و قادر می‌بیند و حالت خود این حقیقت را بیان می‌کند. پس دعا چیزی جز عبادت نیست؛ حال که بنده با رسیمان دعا در ماه مبارک رمضان به خدا نزدیک می‌شود و خواسته‌هاش را از او طلب می‌کند چه بسیار خوب است که دیگران را در دعاهاش شریک کند. پس شخص روزه در باید توجه کند چه دعایی بکند و برای چه کسی، دعا در سطح بلند و برای همه باشد. در دعای ابو حمزه ثمالی ((که از شاگردان خوب امام سجاد(علیه السلام) بود)) از خدا خوسته می‌شود خدایا بزرگ و کوچک، رستایی و شهری، درو و نزدیک، همه و همه را بیامزد.^{۹۹} پس این چنین نباشد که انسان در دعا فقط به فکر خود باشد بلکه باید برای همگان دعا کند و یکی از دعاها ظهور حجت خداوند در زمین باشد. پس شخص روزه دار همه این‌ها را برای خدا و در رضای او انجام دهد. پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «دعای روزه دار رد نمی‌شود»^{۱۰۰} هم چنین می‌فرماید: «ماه رمضان ماه استغفار، ماه روزه و دعا است. خداوند در هر شب ماه رمضان می‌گوید به عزت و جلال مسونگند به فرشتگان فرمان داده‌ام درهای آسمان را به دعا کننده‌ی من بگشايند».^{۱۰۱}

۷- توکل

یکی دیگر از معارف روزه توکل است. روزه موجب حکمت می‌شود و میراث حکمت معرفت است و میراث معرفت یقین است و یقین برای خود ثمراتی دارد که از جمله آنها توکل، رضا، تسليم، خوف، خشیت،

^{۹۸}- همان، ص ۱۴۲.

^{۹۹}- دفتر تبلیغات اسلامی معاونت آموزش حوزه علمیه، ره توشه راهیان نور ویژه ماه مبارک رمضان، همان، ص ۱۴۴.

^{۱۰۰}- هادی، ربانی، همان، ص ۲۱۲.

^{۱۰۱}- همان، ص ۲۱۳.

تواضع و خشوع می‌باشد. امام رضا(علیه السلام) فرمود: «از آثار یقین دارا شدن توکل، رضا و تسليم و تفویض است.»^{۱۰۲}

توکل حالتی است بر خواسته از نفس مطمئنه انسان که، دارنده آن با شناختی که خدا دارد، کارهایش را چه کوچک و چه بزرگ به خدا می‌سپارد. شخص روزه دار وقتی به درجه بالای یقین رسید به خدا توکل می‌کند یعنی خدا را به عنوان وکیل و کارگزار خود قرار می‌دهد و این در صورتی است که از تمام امکانات و نیروهایی که خداوند در اختیارش نهاده است نهایت استفاده را نموده و در کاربرد آنها خداوند را به یاری نیز طلب کند. چرا که توکل گنجی است بی‌کران که کمتر کسی متوجه اهمیت آن می‌شود امام صادق(علیه السلام) فرمود: «بی‌نیازی و عزت به هر طرف درگردشند تا چون به محل توکل برسند وطن گیرند.»^{۱۰۳}

پس شخص روزه دار در همه کارهایش به خدا توکل کرده. یعنی تلاشش را انجام دادها و نتیجه را به خدا سپرده چرا که هر کس به خدا توکل کند، هم او برایش کافی است. (من يَنْوَكُلُ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ)^{۱۰۴} پس شخص روزه دار واقعی به خدا توکل کرد. امورش را به خدا سپرده، دیگر نگران سرانجام آن نخواهد شد؛ چرا که خداوند هر آنچه را که به مصلحت انسان است پیش می‌آورد. پس میوه توکل که از روزه بدست می‌آید چه شیرین است.

۸- توکل مثبت

توکل مثبت آن است که انسان به خداوند سبحان تکیه کند و اراده‌اش را قوی و عزتش را راسخ کند پس موانع و مزاحمات روحی در برابر ختنی خواهد شد؛ زیرا انسان در مقام توکل با مسبب‌الاسباب پیوند می‌خورد و با چنین پیوندی دیگر جایی برای نگرانی و تشویش خاطر باقی نمی‌ماند و با قاطعیت با موانع دست و پنچه نرم می‌کند تا به مقصود برسد. پس توکل مثبت مانند بادبان کشتی نجات بخش است و انسان را برای حل مشکلات و تقویت روح و آسان شدن زندگی کمک می‌کند. انسان هنگامی که بطور جدی به خدا اعتماد کند و او را وکیل خود بگیرد یقیناً، آن محبوب مهربان و آن قادر مشکل گشا همه‌ی زمینه‌های مادی و معنوی را به گونه‌ای به نفع انسان هماهنگ می‌کند که امور در جریان اصلی خود قرار می‌گیرد و هر

^{۱۰۲}- سید عبدالحسین، دستغیب، قلب سلیم، ج ۱، بی چا، قم؛ دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامع مدرسین، پاییز ۸۸، ص ۲۳۳.

^{۱۰۳}- احمد، حبیبیان، مرز فضایل و رذایل اخلاقی، چاپ دوم، قم؛ انتشارات مطبوعات دینی، قم، بهار ۸۲، ص ۱۰۹.

^{۱۰۴}- سوره طلاق، (۶۵)، آیه ۳.

کاری در جهت منافع مشروع انسان پیش می‌رود همه‌ی اینها به تلاش انسان و یقین او به خداوند بستگی دارد یعنی انسان می‌خواهد کاری را انجام دهد تمام توان و تلاشش را به کار گیرد و عزتش را جزم کند، سپس به خدا توکل کند.

قرآن کریم می‌فرماید: «فَإِذَا عَزَّمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ». ^{۱۰۵} «هنگامی که برای انجام کاری تصمیم گرفتی به خدا توکل و اعتماد نما، زیرا خداوند مตوكلان را دوست دارد.»

۹- توکل منفی

این حالت ظاهراً با توکل واگذاری کار به خدا شبیه است و همین امر اشتباه بعضی از مردم گشته است. توکل در واقع به کارگیری صحیح اسباب و امکاناتی است که همگی اراده‌ی پروردگارند. انسان متوكل در این بکارگیری آگاهی به نیروی لایزال الهی دل بسته و از خداوند می‌خواهد که او در رسیدن به مقصد یاری فرماید در حالی که توکل منفی یعنی تن دادن به تلاش و کوشش جدی و در عین حال از خدا توقع پیروزی و موفقیت داشتن است پس حرز توکل مثبت و منفی این است که توکل مثبت تلاش است در حالی که توکل منفی تنبی و توقف.

توکل جلب کمک الهی برای به سرانجام رسیدن کارها است در حالی که توکل منفی تنبی و خواندن خداوند برای موفقیت.

پس توکل این نیست که انسان بگوید من به خدا توکل کردم و دیگر هیچ کار انجام ندهد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) گروهی را دید که برای کسب روزی به دنبال کار نمی‌روند، فرمود: چه می‌کنید؟ گفتند: ما متوكلين هستیم، بر خدا توکل می‌کنیم، پیامبر فرمود: «شما مُتّجك یعنی سربار مردمید و متوكل نیستید.»

پس کسی که توکل می‌کند باید خود نیز تلاش کند نه اینکه بنشیند و هیچ کاری انجام ندهد و بگوید من به خدا توکل کرده‌ام. شخص روزه دار باید در عین حال که به خدا توکل کرده با جدیت باید به کار پردازد در آن صورت نتیجه خواهد دید.

^{۱۰۵}- سوره آل عمران (۳)، آیه ۱۵۹.

۱۰- ورع

یکی از معارف روزه، ورع و پارسایی باعث افزایش پاداش روزه دار و عامل افزایش کمالات روزه می‌شود. وقتی رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) در آستانه ماه مبارک رمضان خطبه‌ی شعبانیه‌ی را خواند همگان را در این خطبه به رعایت بیش از پیش دستورات خداوند و حفظ محramات در این ماه فراخواند، امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) که در آن جلسه حضور داشت، از جای برخواست و پرسید: بهترین عمل در این ماه چیست؟ رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «بهترین عمل در این ماه، پارسایی و تقوا پیشه کردن و چشم پوشی از آنچه خداوند حرام کرده است».^{۱۰۶}

پس ورع همان تقوا است. تقوا یعنی انجام واجبات و ترک محramات. برای تقوا درجاتی وجود دارد پایین‌ترین درجه‌ی آن پرهیز از هر معصیتی است. این اولین درجه تقوا است دومین درجه تقوا آن است که آدمی علاوه بر اجتناب از محramات از موارد شبهناک نیز خودداری کند و بالاتر از آن این است که نه تنها از محramات پرهیز داشته و از مشتبهات نیز اعراض می‌کند بلکه از حلال‌هایی که انسان را به سوی مشتبهات می‌کشاند نیز دوری می‌کند و بالاتر از آن که درجه صدیقین است این است که از هر چه غیر خداست پرهیز می‌کند و در قلب او جز محبت حق چیزی راه نمی‌یابد. خداوند در آیه صد و هشتاد و سه سوره بقره انسان‌ها را به روزه گرفتن دعوت می‌کند تا پرهیزکار شوند.^{۱۰۷}

روزه دار با روزه گرفتن روحیه تقوا را در خود زنده می‌کند و این مراقبت ثمربخش رد ماه مبارک رمضان آسان‌تر است چراکه گرسنگی و تشنجی و دیگر محدودیت‌ها شعله‌های سرکش غرایز حیوانی و هوس‌ها را تا حد چشم‌گیری خاموش می‌سازد و وقتی که ماه مبارک رمضان دوری کرده از گناه بطور مداوم و جدی انجام شد و خصلت خودداری و پرهیزکار در او باقی می‌ماند. بدین ترتیب به مقام تقوا دست یافته که به تعبیر قرآن کریم و فرموده‌ی پیشوایان معصوم ما کرامت انسان بدان وابسته است. خداوند به پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: (ای احمد بر تقوا باد به ورع و اجتناب از گناه و حفظ خود از فساد؛ زیرا ورع سردین و وسط دین و پایان دین است. بی‌تردید ورع انسان را به خدای بزرگ نزدیک می‌کند، ورع در مثل مانند کشته در دریاها است، چنان که از دریا مگر کسی که سوار بر کشتی باشند نجات نمی‌یابد، زاهدان هم

^{۱۰۶}- دفتر تبلیغات اسلامی معاونت آموزش حوزه، ره توشه راهیان نور ویژه ماه مبارک رمضان، همان، ص. ۲۸.

^{۱۰۷}- همان، ص. ۲۹.

جز با ورع به نجات نمی‌رسند.^{۱۰۸} پس ورع که نتیجه روزه است انسان را به خدا نزدیک و مایه‌ی نجات اوست.

۱۱- رضا و تسلیم

یکی دیگر از معارف روزه رضا و تسلیم است که برای شخص روزه دار آرامش به همراه دارد. رضا عالی- ترین حالتی است در یک بندۀ مخلص، که بوسیله آن انسان، آن چنان محو تماشای قدرت و عظمت پروردگار است که هیچ حادثه‌ای او را نگران نمی‌کند. رضا به قضای الهی یعنی راضی بودن به آن امر برای جلب رضایت خداوند، هر چند که در این رهگذر جان و مالش به خطر افتاد.^{۱۰۹} امام صادق(علیه السلام) فرمود: (بالاترین مردم به خدا، راضی ترین آن‌ها است از خدا).^{۱۱۰} شخص روزه دار وقتی به وسیله روزه به یقین دست یافت آنگاه به مقام رضا نیز دست می‌یابد خداوند در حدیث قدسی می‌فرماید: (پس هرگاه بندهام به مقام یقین رسید، اهمیت نمی‌دهد که زندگی او به سختی گذشتئیا به آسانی).^{۱۱۱} باز امام سجاد(علیه السلام) فرمود: (بالاترین درجه‌ی یقین، پست ترین درجه‌ی رضا است).^{۱۱۲} وقتی بندۀ به مقام رضا رسید برایش فرقی نمی‌کند که در رفاه و خوشی و راحتی باشد، یا در سختی و گرفتاری و تنگنا. یعنی در برابر مسایل بی‌تفاوت است و چون دلش یه جای دیگر محکم شده، خوشی و سختی دنیا در او اثر نمی‌گذرد. این‌ها در برابر قلب دریا گونه‌ی شخص روزه دار چیزی نیست که در او موج ایجاد کند، مسایل زندگی دنیا پست‌تر و کوچک‌تر از آن است که او را به خود مشغول کند و ناراحت‌ش سازد و برای او مهم نیست که پولدار باشد، شخص روزه دار که ایمانش کامل گشته است، کار خود را به خدا و امی‌گذارد و می‌داند نفعش در چیزی است که خدا برای او پیش می‌آورد. و وقتی که ایمان قوی‌تر شد و انسان کار خود را به خدا سپرده خدا نیز وکالت او را می‌پذیرد. و بر اساس آنچه به صلاح اوست امورش را تنظیم می‌کند و خدا هر چه بخواهد برای انسان خیر است. پس رضا و تسلیم یعنی راضی بودن به واست و مصلحت الهی. چرا که علامت رضا این است که

^{۱۰۸}- محمدباقر، مجلسی، همان، جلد ۷۴، ص ۲۶.

^{۱۰۹}- احمد، حبیبیان، همان، ص ۱۶۶.

^{۱۱۰}- همان، ص ۱۱۸.

^{۱۱۱}- محمد تقی، مصباح یزدی، همان، ص ۲۰۶.

^{۱۱۲}- احمد، حبیبیان، همان، ص ۱۲۲.

از گذشته‌ی خود اظهار تأسف نکند، نسبت به آینده تشویش و نگرانی نداشته باشد و برایش زندگی مهم

باشد و بس.^{۱۱۳}

کسی که راضی به رضای خدا است به زندگی دنیا بهایی نمی‌دهد و توجه او از یاد خدا و معارف یقینی، مشاهده آثار الهی، اسماء و صفات و جلوه‌های حق تعالی قطع نمی‌گردد. پس بر همین اساس از زندگی خود راضی است چرا که آن را مصلحت و خواست الهی می‌داند.

۱۲- اتفاق

یکی از اعمال مورد توجه ماه مبارک رمضان، اتفاق، جهاد مالی است. چنانچه که سیره‌ی معصومین نیز بیان‌گر همین امر است. در خطبه‌ی معروف پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره‌ی اعمال روزه داران فرمود: «هر کس در این ماه، فریضه‌ای چه مالی و چه غیر آن را اداء کند پاداش هفتاد برابر اداء در سایر ماهها را دریافت می‌دارد». ^{۱۱۴} امام سجاد (علیه السلام) در ایامی که روزه دار بود، دستور می‌داد گوسفندی را می‌آوردند و ذبح می‌نمودند، سپس امام (علیه السلام) اعضای آن را قطعه قطعه می‌کردند و به دیگ می‌ریختند و می‌پختند و وقت افطار با شکم گرسنه بوی او را استشمام می‌نمودند، بعد دستور می‌دادند ظرف‌هایی حاضر کنند، و برای خانواده‌ها غذا بکشند، سپس برای خود او نان و خرما می‌آورندند و افطار می‌کرد.^{۱۱۵}

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «هر کس روزه دار را افطار دهد به قدر ثواب او برایش خواهد بود». ^{۱۱۶} پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «هر کس روزه دار را (در ماه مبارک رمضان) افطار دهد ثواب آزاد کردن بنده برایش خواهد بود، و گناه‌هایش آمرزیده گردد، گفتند یا رسوا الله همگی توانایی افطار دادن نداریم فرمود: خداوند متعال کریم است و به آن کسی که حتی به یک جرعه شیر و شربتی و یا دانه‌ای خرما افطار دهد و بیش از این نتواند همین ثواب را خواهد داد. خداوند می‌فرماید هر چه اتفاق کنید خداوند عوض آن را عنایت خواهد کرد، که خداوند بزرگ ترین روزه دهنده‌گان است». ^{۱۱۷} و خداوند اتفاق کننده‌گان را مدح کرده، می‌فرماید: «دیگران را در طعام اختصاصی خود بر خویشن بر می‌گزینند، و آنها که از بخل مصون بمانند

^{۱۱۳}- همان، ص ۱۲۲

^{۱۱۴}- دفتر تبلیغات معاونت آموزش حوزه علمیه قم، ره توشه راهیان نور ویژه ماله مبارک رمضان، همان، ص ۷۹.

^{۱۱۵}- حسن بن فضل، طبرسی، مکارم اخلاق، (سید ابراهیم میرباقری)، بی‌چا، تهران، انتشارات فراهانی، ص ۲۵۹.

^{۱۱۶}- همان.

^{۱۱۷}- سوره سبا (۳۴)، آیه ۳۸.

رستگار خواهند بود». ^{۱۱۸} ماه مبارک رمضان ماه انفاق، ماه کمک کردن به یک دیگر مخصوصاً قشر فقیر و محتاج جامع است و اینکه انسان روزه می‌گیردو رنج گرسنگی را می‌کشد به این دلیل است که به یاد فقیر نیز بیفتند تا به آنها احساس و انفاق کند تا از رنج گرسنگی آنها نیز بکاهد. روزه دار در ماه رمضان همواره، با ذکر هایی سروکار دارد که یاد نیازمندان بودن به ویژه به فکر مستضعفان جامعه بودن را تداعی می‌کند او همه روزه به این دعا مترنم است که: «اللَّهُمَّ أَغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ؛ خُدَايَا فَقِيرَانَ رَا دَسْتَگِيرِيَ كَنْ، اللَّهُمَّ أَشْبِحْ كُلَّ جَائِعٍ؛ خُدَايَا هَمَهَ گَرْسَنْگَانَ رَا سِيرَ كَنْ، اللَّهُمَّ أَكْسِ كُلَّ عَرْيَانَ؛ خُدَايَا هَمَهَ بِرْهَنْگَانَ رَا بِپُوشَانَ، اللَّهُمَّ أَقْضِ دَيْنَ كُلَّ مَدِينَ؛ خُدَايَا قَرْضَ هَمَهَ قَرْضَ دَارَانَ رَا اَدَاءَ كَنْ، اللَّهُمَّ اشْفِ كُلَّ مَرِيضٍ؛ خُدَايَا هَمَهَ يِمَارَانَ رَا شَفَادَه، اللَّهُمَّ رُدَّ كُلَّ غَرِيبٍ؛ خُدَايَا هَمَهَ مَسَافِرَانَ رَا بَهْ وَطَنَ بِرْسَانَ، اللَّهُمَّ فُكْ كُلَّ اَسِيرٍ؛ خُدَايَا هَمَهَ اسِيرَانَ رَا اَسَارَتَ رَهَابِيَ بَخْشَ».

۱۳- عفو و بخشش

یکی از معارف روزه عفو و گذشت از خطاهای دیگران در مدار معقول و مجاز است. بر این اساس در دعای جوشن کبیر در ماه مبارک رمضان به ویژه در شب‌های قدر قرائت آن توصیه شده است، می‌فرماید: «یا خَيْرَ الْعَافِرِينَ، یا غَافِرَ الْخَطَيَّاتِ، یا غَافِرَ الْخَطَايَا، یا قَابِلَ التَّوْبَ، یا غَافِرَ مَنِ اسْتَغْفَرَهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا عَفْوًا يَا غَفُورًا. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا سَتَّارًا يَا غَفَارًا».^{۱۱۹} همهی این دعا بیانگر عفو و بخشش خداوند است. پس شخص روزه دار همان طور که انتظار دارد خداوند از گناهان و خطاهای او چشم پوشی کند او نیز باید از خطای دیگران در گذرد چنان‌چه که خداوند در آیه بیست و دوم سوره نور می‌فرماید: «باید عفو کنید و لغزش‌های دیگران را نادیده بگیرید. آیا دوست نمی‌دارید خداوند شما را ببخشد؟ و خداوند غفور و رحیم است.» در جایی دیگر قرآن نیز می‌فرماید: «وَ إِنْ تَعْفُوا وَ تَصْفَحُوا وَ تَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ». اگر عفو کنید و صرف نظر نمایید و ببخشید {خدا شما را می‌بخشد}، چرا که خداوند آمرزنده و مهربان است.^{۱۲۰}

^{۱۱۸}- سوره حشر، (۵۹)، آیه ۹.

^{۱۱۹}- عباس، قمی، همان، ص ۱۴۸.

^{۱۲۰}- سوره تغابن (۶۴)، آیه ۱۴.

حضرت علی(علیه السلام)نیز می فرماید:«شایسته ترین مردم به عفو توانمندترین آنها به مجازات و کیفر است.»^{۱۲۱} هم چنین امام صادق(علیه السلام)می فرماید:«عفو هنگام قدرت روش فرشتگان الهی و اهل تقوا است.»^{۱۲۲}

پس یکی از عوامل ترفیع درجه روزه، عفو و اغماض است؛ عفو و گذشت در ماه مبارک رمضان بسیار ارزش مند و پسندیده است. اغماض در پرتو نادیده انگاشتن برخی نامهربانی‌ها دیگران، بهترین می‌تواند تجلی کندشیریف ترین اخلاق آدم بزرگوار، نادیده گرفتن خطاهایی است که از آن‌ها با خبر است؛ چرا که نیمی از خردمندی، تحمل و نیمی دیگر تغافل است. ماه رمضان، ماه عفو و گذشت است. بنابراین چشم پوشی و تغافل باید بیش تر مورد توجه قرار گیرد. پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) در خطبه آخر ماه شعبان، تأکید فراوان نمود تا روزه داران در این ماه بیشتر اهل عفو اغماض باشند.

رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «مروّت ما، خاندان پیامبر، عفو و گذشت نسبت به کسانی است که بر ما ظلم کرده‌اند و عطا و بخشش به کسانی است که ما را از حقمان محروم نموده‌اند.»^{۱۲۳} هم چنین آن حضرت می‌فرماید: «عفو و بخشش را شیوه‌ی خود قرار دهید؛ زیرا بخشش و گذشت جز بر عزت انسان نیفزاید. پس نسبت به یکدیگر گذشت داشته باشد تا خدا شما را عزیز کند.» پس عفو گذشت همان طور که صفت خدا و رسول است شایسته است که شخص روزه دار {بنده خدا} نیز دارای چنین صفتی باشد و همان گونه که انتظار دارد خدا از او در گذرد و گناهان او را ببخشد، او نیز باید از خطاهای دیگران نظر کند.

۱۴- امر به معروف و نهی از منکر

یکی دیگر از عوامل ارتقای درجه روزه انجام دادن امر به معروف و نهی از منکر است. در ماه مبارک رمضان یکی از وظایف و برنامه‌های شخص روزه دار خیر خواهی برای دیگران است و این امر در سایه‌ی امر به معروف و نهی از منکر به خوبی میسر می‌شود. ماه مبارک رمضان، ماه پرهیز از رذایل و رفتن به سوی فضایل و خوبی‌هاست؛ پس وقتی شخص روزه دار تقوا پیشه نماید و دیگران را نیز به تقوا دعوت نماید و آنها را از

^{۱۲۱}- نهج البلاغه، حکمت ۵۳، ص ۴۷۸.

^{۱۲۲}- رضا، مهدوی کنی، همان، ص ۶۰۰.

^{۱۲۳}- ابو محمد الحسن، الحرانی، همان، ص ۲۷.

کارهای ناشایست باز دارد؛ در واقع وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را انجام داده است. پس اگر در جامعه‌ای افراد آن جامعه پند دهنده و پند پذیر باشند، به تبع جامعه‌ای سالم با افراد سالم و صالح خواهیم داشت؛ چرا که امر به معروف و نهی از منکر، جامعه‌ترین برنامه برای اصلاح جامع، مبارزه با فساد، استقرار عدالت همه جانبه و نیکی‌ها و ارزش‌های است. این دستور اختصاص به گروهی خاص ندارد، بلکه همه در حد توان خود، به انجام آن موظف هستند. بنابراین این دو وظیفه یک نوع نظارت همگانی برای حفظ کشتی جامعه از غرق شدن و رساندن آن به ساحل نجات و چنین کاری از عقل، تدبیر و تمدن، کار بسیار شایسته و بجایی است.

ماه مبارک رمضان و بستر مناسبی برای انجام و نهادیه کردن این عمل شایسته است. زیرا در این ماه که ماه رحمت الهی است مردم سعی می‌کنند که جرعه‌ای از این رحمت بهرمند شوند و در این مسیر از هم نوعان خود غافل نیستند و آنها را نیز به بهره گیری از این رحمت می‌کنند. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «خداؤن متعال پیشینیان را از رحمت خود درو نساخت، مگر به فاصله این که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردند». ^{۱۲۴} امر به معروف و نهی از منکر ضامن امنیت و آرامش جامعه است. امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «در پرتوی امر به معروف و نهی از منکر، سایر فرایض و واجبات برپا می‌گردد، راه‌ها امن می‌شود، تجارت و کاسبی مردم حلال گشته، هر گونه ظلم موجود بر چیده می‌شود، زمین آباد می‌گردد و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و همه کارها رو به راه می‌شود». ^{۱۲۵}

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در آستانه ماه مبارک رمضان، مردم را پند می‌داد و به رعایت تقوا و حرمت ماه رمضان سفارش می‌نمود و با عمل خویش، همه را به معروف فرا می‌خواند و از منکر باز می‌داشت. پس انسان روزه دار با عمل به این دو فریضه مهم بر درجه روزه‌ی خود می‌افزاید.

۱۵- گره گشایی از کار دیگران

یکی از عوامل ارتقای درجه روزه، گره گشایی از کار دیگران است. از توفیقات مهم یک انسان، آن است که گشایش معضلات مردم به دست او باشد لذا از مقدس‌ترین خدماتی است که مورد قبول و امضای آیین خدا و شرع محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است. گره گشایی از مشکلات مردم، دستگیری از حاجات مندان و رسیدگی

^{۱۲۴}- محمد، اشتهراردي، لقمان و حکمت‌های دهگانه او در قرآن، چاپ اول، بوشهر: انتشارات موعود اسلام، سال ۱۳۸۱، ص ۷۹.

^{۱۲۵}- همان

به کار ارباب رجوع، یکی از عوامل تقرب به خداست و به موازات آن کناره گیری و شانه خالی کردن از حل مشکلات مردم نیز سبب محروم شدن از الطاف الهی و عامل رویگردانی انبیاء و اولیاء است. امام حسین(علیه السلام) می‌فرماید: «بی تردید نیازهای مردم به شما از جمله نعمتهای خداوند است. پس از انجام آنها خسته نشوید که به دیگران روی خواهند آورد.»

هم چنین خدمتگذاری به مردم و گره گشایی از مشکلات آنان از وظایف و شئونات یک مسلمان است. چرا که بخش عظیمی از محتوای اسلام را نوع دوستی، ایثار، خدمت به دیگران، کمک به درماندگان، کار گشایی برای مشکلات مردم و قضای حاجت گرفتاران تشکیل شده می‌دهد. پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: «کسی که در حالی صبح کند که به امر مسلمانان بی فکر و اهتمام باشد، بهره‌ای از اسلام نبرده است و هر کس شاهد فریاد خواهی و کمک طلبیدن مردی باشد که مسلمان را به یاری می‌طلبد، اما پاسخی به او ندهد، از مسلمانان نیست.»^{۱۲۶}

پس شخص مسلمان و چه بسا که روزه است حال چه در ماه مبارک رمضان و چه در ایامی دیگر، باید بخشی از دل، محبت، تلاش، اهتمام و عشق خود را به دیگران اختصاص دهد و گره از مشکلات آنان بگشاید. آنان که خالصانه و بی توقع، گره از کار بسته مردم می‌گشایند، بندگان خاص خدا و ماموران ویژه الهی‌اند. توفیق و امداد الهی را همراه دارند، فیض دنیوی و اجر اخروی نیز، دستاورد این خدمت است. امام رضا(علیه السلام) می‌فرماید: «خداوند را در روی زمین، بندگانی است که کارشان تلاش برای رفع نیاز حاجت مردم است. آنان روز قیامت، ایمن و آسوده‌اند.»^{۱۲۷}

۱۶- خوف و خشیت

یکی از ابعاد معارف روزه، خوف و خشیت الهی است. در دعای روز پانزدهم ماه مبارک رمضان از خداوند می‌خواهیم که خاشع بودن در اطاعت و بندگی را روزی ما قرار دهد.

هم چنین در دعای جوشن کبیر بند ۳۷ می‌خوانیم: «يَا مَنْ كُلَّ شَيْءٍ خَاضِعُ لَهُ، يَا مَنْ كُلَّ شَيْءٍ خَاشِعُ لَهُ....»

^{۱۲۶}- جواد، محدثی، اخلاق معاشرت، چاپ دوم، قم: بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی)، سال ۱۳۸۰، ص ۱۴۹.

^{۱۲۷}- همان، ص ۱۵۱.

خوف و خشیت الهی یکی از عوامل ارتقاء درجه روزه نیز بشمار می‌رود. روزه‌ی واقعی، روزه‌ی اعضا و جوارح از گناهان است و شخص روزه دار هنگامی که از گناهان دور می‌کند به درجه تقوای نائل می‌شود و مقام قرب الهی را به دست می‌آورد و در غیر این صورت روزه‌ی او جز رنج گرسنگی و تشنجی چیزی نخواهد بود. خوف و خشیت الهی نیز باعث خود داری اعضا و جوارح از گناه و التزام به اطاعت و بندگی و قلع و قمع شهوات می‌شود خوف صفتی است که شهوات را در آتش خود می‌سوزاند، لذات را در نظر انسان را مکدر و گناهان را منفور و جوراح را موبد می‌سازد. قلب انسان خائف دارای خشوع و خضوع است و از کینه، کبر و حسد در امان است.

هم چنین انسان خاشع توجهش به اهمیت عاقبت منحصر می‌باشد؛ به کاری جز مراقبه، محاسبه و مجاهده نمی‌پردازد؛ از هر لحظه استفاده می‌کند تا کردار و گفتار خویش را کنترل و نفس خود را مؤاخذه کند. ظاهر و باطنش یکی هست و هر چه معرفت انسان نسبت به خداوند بیش تر باشد در برابر خداوند خاشع تر و خاضع تر می‌شود. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «هر کس خدا را بشناسد، از او می‌ترسد و کسی که از خدا بترسد، نفسش در رها کردن دنیا سخاوتمند می‌شود. و هر کس از خدا بترسد همه چیز از او می‌ترسد و هر کس از خدا نترسد، خدا او را از همه چیز می‌ترساند».^{۱۲۸}

قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهُ مِنْ عِبَادِ الْعُلَمَاءِ». ^{۱۲۹} «تنها بندگان دانشمند از خدا می‌ترسند».

انسانهای خائف و خاشع کسانی هستند که خدا از آنها راضی است و آنها نیز از خدا راضی هستند. پس اگر شخص روزه دار دارای خوف و خشیت الهی باشد در هر لحظه بیاد خدا می‌باشد و از گناهان دوری می‌جوید و وقتی متوجه شد به درجه‌ی روزه خاص الخاص می‌رسد. پس خوف و خشیت تأثیر به سزاگی در ارتقاء درجه‌ی روزه و رسیدن انسان به کمال قرب الهی می‌تواند داشته باشد.

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) می‌فرماید: «چون قلب مومن از ترس خدا بذرزد، خطاهای از آن می‌ریزد، همان طور که برگ از درخت می‌ریزد».^{۱۳۰} بنابراین خوف و خشیت عامل مهمی در پند پذیری و ایمان می‌باشد و شخص

^{۱۲۸}- محمد رضا، جباران، علم اخلاق، ۱، ص ۱۳۰.

^{۱۲۹}- سوره فاطر، (۳۵)، آیه ۲۸.

^{۱۳۰}- محمد باقر، مجلسی، همان، ج ۶۷، ص ۳۹۳.

خائف جایگاهی بس والا دارد. در نتیجه شخص روزه دار باید در تلاش باشد تا صفت پسندیده‌ی خوف و خشیت را در خود تقویت کند و از آن بهره کامل را ببرد.

۱۷-شفاعت

یکی از ابعاد معارف روزه شفاعت است. ماه مبارک رمضان و روزه‌ی آن و شخص روزه دار هر سه آمرزنده- ی گناهان و شفاعت کننده‌ی انسان هستند.

ماه مبارک رمضان چون ماه‌های دیگر نیست چرا که با حلول ماه مبارک برکت و رحمت بر مسلمانان نازل می‌شود و چون موقع تمام شدن آن شود با آمرزش گناهان از بندگان خدا رخت بر می‌بندد و بدینه کسی است که طی این ماه گناهانش آمرزیده نشود چرا که خداوند در این ماه درهای آمرزش و رحمت را بر روی تمام بندگان باز نهاده و از آنان توبه می‌پذیرد.

روزه‌ی ماه مبارک رمضان و تلاوت قرآن در روز قیامت شفاعت کننده‌ی انسان هستند. در روز قیامت و حساب رسی انسان به شفاعت نیاز دارد اما برای اینکه شفاعت شود باید خود نیز بخشی از مسیر قرب بارگاه الهی را طی کند. و آنگاه انتظار شفاعت را داشته باشد یعنی از گناهان دوری کند و اعمال صالح و پسندیده را انجام دهد یعنی روزه‌ی واقعی را عمل بنماید آن موقع توقع شفاعت را داشته باشد.

پیامبر گرامی اسلام در این مورد می‌فرماید: «روزه و قرآن در روز قیامت برای بندۀ شفاعت می‌کنند. روزه می- گوید: پروردگارا من خواب شب او را گرفتم شفاعت من را برای او بپذیر، سپس شفاعت هر دو پذیرفته می- شود.»^{۱۳۱}

هم چنین شفاعت شخص روزه دار نیز پذیرفته می‌شود. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «کسی که در ماه رمضان روزه باشد، و تمایلات جنسی، و زبانش را از گناه و حرام حفظ و حراست نماید. و شر خود را از مردم نگه دارد. خداوند غفار گناهان و معامي گذشته و آینده‌اش را می‌آمرزد. و او را از آتش جهنم آزاد می‌گرداند، و در بهشت جاوید خویش مستقر خواهد ساخت، و شفاعتش را از گنهکاران اهل توحید (مسلمانان) خواهد پذیرفت. اگر چه به تعداد ریگ‌های مجتمع بیابان باشد.»^{۱۳۲}

^{۱۳۱} ۹۳/۷/۱۱. www.jonbeshnet.ir -

^{۱۳۲} - محمد رضا جباران، علم اخلاق ۲، همان، ص ۲۴۶.

این حدیث شریف نمایانگر این معناست که اهل روزه مقام شفاعت را دارا هستند، و آنچه از مضامین آیات و روایات در اجر و پاداش روزه دار استفاده می‌گردد، مقام شفاعت برای آنان مستعبد نیست.

فصل ششم:

بررسی لیله القدر و عید فطر

لیله القدر

«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»^{۱۳۳}. ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم.

شب قدر، شب شکوه مندی به سبب نزول قرآن است؛ بشی که والاترین و پر برکت‌ترین شب سال به شمار می‌رود؛ بشی که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آن را چنین ستوده است: «ماه رمضان، سوره ماهها و شب قدر، سوره شب هاست.»^{۱۳۴}

جایگاه والای این شب و نقش آن در میهمان سرای الهی و بهره وری از برکات و دست آوردهای این ضیافت الهی، تا آنجاست که امام صادق (علیه السلام) آن را «قلب» این ماه نامیده است.

شیبی که هر کس آن را درک کند و احیاء بدارد، گناهانش آمرزیده خواهد شد و زندگی تازه‌ای خواهد یافت و شب قدر، شب جدایی اولیاء الله و اولیای شیطان است. این شب، شب معین کردن روزی افراد و بندگان به اندازه‌ی تلاش و کوششی که در عبادت داشته‌اند، پاداشی دریافت کرده و سهم می‌برند، بشی که هر لحظه آن در سپیده دم توأم با درود فرشتگان، سلام و سلامتی و رحمت و ایمنی و فرخندگی است. بشی که عالم بزرگ شیعه، مرحوم آیت الله حاج محمد ابراهیم کلباسی (صاحب کتاب اشارات الاصول) برای به دست آوردن فیض و فضیلت آن، یک سال، شب تا صبح به عبادت پرداخت.

شب قدر لیله المبارکه

«حَمْ وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ». حامیم. به کتاب روشنگر سوگند. ما آن را در شب مبارک و فرخنده نازل کردیم، ما همواره انذار کننده بودیم.^{۱۳۵}

مراد از شب مبارک همان شب قدر است که در ماه مبارک رمضان قرار دارد. قرآن از همه‌ی جهت مبارک است. هم از جهت نازل کننده و هم از جهت مکان و زمان.

^{۱۳۳}- سوره قدر، (۹۷)، آیه ۱.

^{۱۳۴}- دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علیمه قم، ره توشه راهیان نور، همان، ص ۹۵.

^{۱۳۵}- سوره فرقان (۴۴)، آیه ۱ تا ۲.

در این آیه، زمان نزول قرآن مبارک شمرده شده زیرا منظور، شب قدر است. چرا که به برکت نزول قرآن و فرشتگان و روح در این شب، جهت سرو سامان دادن به امور بندگان، از قدر و منزلت خاصی برخوردار است و شب قدر بهترین شب‌ها است.

معنای شب قدر

قدر در لغت به معنای اندازه گیری و اندازه است و در اصطلاح عبارت است از ویژگی هستی و وجود هر چیز و چگونگی آفرینش آن. استاد شهید مطهری-رحمه‌الله- در تعریف قدر می‌فرماید: قدر به معنای اندازه و تعیین است... حوادث جهان از آن جهت که حدود و اندازه و موقعیت مکانی و زمانی آنها تعیین شده است، مقدور به تقدیر الهی است.^{۱۳۶} اما معنای شب قدر چیست؟

آیه شرife «وَمَا أَدْرِكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ؛ وَ تُوْلِيْهِ مَنِيْدَهِيْنَ؟»^{۱۳۷}

از معنای شب قدر سؤال می‌کند و مخالف پیامبر است. روشن است که وقتی مخاطب این آیه، پیامبر(صلی الله علیه و آله وسلم) باشد، پرسش موجود در آیه نشان دهندهی عظمت و ارج شب قدر است؛ چرا که مفهوم شب قدر، هرگز بر شخصیت عظیم که قرآن بر دل پاک او فرود آمده و جان او جایگاه شب قدر است، و فرشتگان الهی در آن شب برای سامان بخشی به امور جهان و تقدیر هستی نزد او می‌آیند، ناشناخته نیست. افزون بر این، فراهم آمدن زمینه شناخت و شهود حقیقت شب قدر (هر چند اندک) برای شماری از اهل سیرو سلوک که با بهره گیری از تعالیم اهل بیت(علیه السلام) در این زمینه، به آن رسیده‌اند گویای این حقیقت است. عالم ربانی آیه جواد آقا ملکی تبریزی (رحمه‌الله) در پاسخ این سؤال که: «معنای دیدار شب قدر و لذت آن چیست؟» می‌گوید: دیدار شب قدر، عبارت است از: کشف فرود آمدن امر آسمانی به زمین در این شب، آن گونه که برای امام زمان(علیه السلام) آشکار می‌شود.^{۱۳۸}

دیدن آن حقیقت و توفیق یافتن به این دیدار و شهود، کاری بس عظیم و ولای، همان گونه که امام صادق(علیه السلام) آن را چنین توصیف کرده است: دلی که آنچه را در شب قدر فرود آورده می‌شود می‌بیند، بسی و لاست.

^{۱۳۶}- مرتضی، مطهری، انسان و سرنوشت، چاپ سی و پنجم، تهران: انتشارات صدر، مهر ۱۳۸۸، ص ۵۲.

^{۱۳۷}- سوره (۹۷) آیه ۲.

^{۱۳۸}- مجید، جعفر پور، همان، ص ۲۱۲.

علامه مجلسی از امام صادق(علیه السلام)نکل می کند: مقصود از شب، فاطمه زهر او مقصود از قدر، خداوند است.
پس هر کس فاطمه را درست بشناسد، قطعاً شب قدر را درک کرده است. و همانا او فاطمه نامیده شد؛ زیرا
^{۱۳۹} خلایق از شناختنش درمانده شده‌اند.

تقدیر امور سال

در بسیاری از روایات، به عنوان نخستین ویژگی شب قدر، تأکید شده است که تقدیر امور مردم و سامان
بخشی اوضاع و احوال آنان در طول سال، در این شب رقم زده می‌شود؛ بسی که سرنوشت وظیفه یافتن همه
کارهایی که تاسال آینده پیش خواهد آمد، در این شب فروود می‌آید. شاید نزول قرآن در شب قدر نیز به
لحاظ همین جهت باشد؛ کتابی که برنامه ریزی انسان را ارائه می‌کند.

از همین جاست که انسان می‌تواند با بهره گیری از برنامه‌ای که قرآن آن را ترسیم کرده، سرنوشت خود و
زنگیش را در شب قدر عوض کند و برای سال آینده خویش بهترین سرنوشت و برای خویش
سودمندترین کسب و کار را تحقق بخشد.

بر اساس شماری از روایات، تعیین سرنوشت انسان در شب قدر و رقم خوردن آنچه در یک سال کامل بر او
خواهد گذشت، به معنای آن نیست که به طور کامل در برابر سرنوشت خویش، بی اختیار باشد»^{۱۴۰}

امام صادق(علیه السلام) شب قدر را آغاز سال و پایان آن می‌داند.^{۱۴۱} روایاتی که شب قدر را آغاز سال می‌دانند
به اعتبار سال برنامه ریزی امور مردم و سامان بخشی وضع آنان و آنچه پیش خواهد آمد، صادر شده‌اند. با
همین اعتبار، شب قدر پایان سال نیز به شمار می‌رود، یعنی پایان سال برنامه ریزی شده‌ای که سپری شده و
اول سال برنامه ریزی شده‌ی نو است.

در این شب خداوند سبحان، کامل‌ترین و شایسته‌ترین برترین انسان را از برنامه ریزی و حکم خود، آگاه می-
سازد. امیر المؤمنین(علیه السلام) فرمود: که پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) به من فرمود: ای علی آیا می‌دانی معنای
شب قدر چیست؟ گفت: نه، ای پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: خدای متعال در آن شب، آنچه را روز

^{۱۳۹}- دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، رمضان، تجلی معبد، همان، ص ۸۳

^{۱۴۰}- همان، ص ۸۴

^{۱۴۱}- مجید جعفر پور، همان، ص ۲۰۳

قیامت خواهد شد، مقدر کرده است و از جمله آنچه‌ی مقدر کرده ولایت امامان از نسل تو تا روز قیامت است.

راز نزول ملائکه

«شب قدر فرشتگان و روح به اذن پروردگار برای تقدیر هر کار نازل می‌شوند.»^{۱۴۲} «تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ.»^{۱۴۳}

در این شب ملائکه و فرشتگان، فوج فوج از آسمان فرود می‌آیند. فرشتگان برای تقدیر و تعیین سرنوشتها و آوردن هر خیر و برکتی در آن شب نازل می‌شوند و هدف از نزول آنها انجام این امور است. آنها آنچه که خداوند عظیم و بزرگ برای انسان در طول سال مقدر کرده است به صورت نامه‌ای نوشته شده که خود فرشتگان نویسنده‌ی آن هستند به امام عصر تحويل می‌دهند و آنچه مقدر شده برای انسان، به تناسب کاری است که انسان در شب قدر انجام می‌دهند.

در تفسیر قمی، در ذیل این آیه شریفه «آیه سوره قدر» چنین آمده است فرشتگان و روح القدس بر امام زمان (علیه السلام) فرود می‌آیند و از این امور، آنچه را نوشته‌اند، به او تقدیم می‌کنند.^{۱۴۴}

پس در شب قدر توسل به امام زمان (علیه السلام) می‌تواند نقش موثر در گشايش کارهای انسان و گشودن آفاق در پیش او داشته باشد و می‌تواند سرنوشت او را در جهتی که دستاوردهای بیشتری در سال او نصیب او شود، تنظیم کند. پس در شبی که سرنوشت انسان رقم زده می‌شود کار شایسته‌ای که انسان انجام می‌دهد در سرنوشت او تأثیر به سزاپی دارد. پس بر انسان سزاوار است که از لحظه لحظه‌های شب قدر بهره ببرد. چرا که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) از خوابیدن در شب قدر نهی فرموده است هم چنین حضرت زهراء (سلام الله علیها) نمی‌گذاشت که در آن شب کسی از اهل خانه‌اش بخوابد. هر وقت خواب بر کسی از آنها غلبه می‌کرد، مقداری آب به صورت او می‌پاشید. و کسی که ایمان دارد عمل در شب قدر از نظر برکات، برابر با حیات جاویدان او و بهره مندی در طول زندگی ابدی او است، نمی‌تواند این فرصت گرانبها و موهبت بی‌نظیر را

^{۱۴۲} - سوره قدر (۹۷)، آیه ۴.

^{۱۴۳} - مجید، جعفر پور، همان، ۲۱۷

از دست بدده. هر کس این شب را درک کندو احیا بدارد گناهانش آمرزیده خواهد شد، زندگی تازه‌ای خواهد یافت، سرنوشتیش مقدر می‌گردد. بر آنچه خیر و صلاح برای اوست.^{۱۴۴}

لیله القدر چه شبی از سال است؟

شکی نیست که لیله القدر، یکی از شباهای ماه رمضان است؛ زیرا جمع میان آیات قرآن اقتضای آن را دارد. از یک سو می‌فرماید: «قرآن در ماه رمضان نازل شده است.»^{۱۴۵} و از سوی دیگر می‌فرماید: «و ما آن را در شب قدر فرو فرستادیم.»^{۱۴۶}

اما برای تعیین دقیق آن باید به روایات مراجعه کرد. در بین اهل سنت درباره شب قدر اختلاف شدیدی است و تفسیرهای گوناگون از آن شده است؛ از آن جمله: شب هفدهم، شب نوزدهم، شب بیست و یکم، شب بیست و سوم، شب بیست و هفتم و شب بیست و نهم.^{۱۴۷} اما در روایاتی که از اهل بیت (علیه السلام) در تعیین شب قدر نقل شده، می‌توان به پنچ دسته که قابل توجه است اشاره نمود: دسته اول: روایاتی است که شب قدر را دهه‌ی آخر ماه رمضان تعیین می‌کنند. دسته دوم: روایاتی که می‌گویند شب قدر را یکی از سه شب نوزدهم، بیست و یکم و بیست سوم بجوبید. مرحوم ابن طاووس از بزرگان علمای شیعه در کتاب اقبال الاعمال در این مورد آورده است که اندازه گیری و تقدیر امور و کارها در شب نوزدهم و تحکیم آنها در شب بیست و یکم و امضای آنها در شب بیست و سوم است. به همین دلیل شب زنده داری و دعا و عبادت در این سه شب بسیار توسعه شده است. به ویژه در دو شب بیست و یکم و بیست و سوم تاکید بیشتری شده است.^{۱۴۸}

دسته سوم: روایاتی که شب قدر را یکی از دو شب بیست و یکم و بیست و سوم می‌دانند. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «شب قدر را در شب بیست و یکم و بیست و سوم بجوبید.» راوی در خواست می‌کند که آن را دقیقاً مشخص کنند، فرمودند: «چه سخت است بر تو که دو شب را کوشش کنی!»^{۱۴۹} دسته چهارم: روایاتی

^{۱۴۴}- دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ره توشه راهیان نور ویژه ماه مبارک رمضان، همان، ص ۳۲۶.

^{۱۴۵}- سوره بقره (۲)، آیه ۱۸۵.

^{۱۴۶}- سوره بقره (۹۷)، آیه ۳.

^{۱۴۷}- حسن، حسن زاده آملی، انسان و قرآن، چاپ دوم، قم: انتشارات قیام، سال ۱۳۸۱، ص ۲۳۹.

^{۱۴۸}- سید رضی الدین طاووس، حلی، اقبال الاعمال، ج ۱، چاپ اول، قم: مکتب العلوم اسلامی، سال ۱۳۴۱، ص ۳۴۵-۳۴۱.

^{۱۴۹}- همان، ص ۳۵۷.

که شب بیست و سوم را حتماً شب قدر می دانند. امام علی(علیه السلام) می فرماید: «شب بیست و سوم در عین حالی که باران شدیدی آماده و مسجد مدینه را گل و آب فرا گرفته بود، رسول خدا ما را به نماز وامی داشت، و با وجود اینکه صورت و بینی آن حضرت، گل آلوده شده بود، دست از عبادت و شب زنده داری نمی کشید.^{۱۵۰} دسته پنجم: روایاتی که شبهای نوزدهم و بیست و یکم و بیست سوم هر کدام به گونه ای در سرنوشت انسانها و امور آنان نقش دارد: ولی نقش اساسی و نهایی، مربوط به شب بیست و سوم است.

تأمل در این پنج دسته از روایات، نشان می دهد که نه تنها میان آنها تعارضی نیست، بلکه مؤید یکدیگرند.

وداع با ماه رمضان

هر چه به آخر ماه مبارک رمضان نزدیکتر می شویم، آتش شور و عشق اولیای الهی به این دریای معنویت شعله ورتر می گردد. چرا که ماه رمضان دریای عطوفت و مهربانی خداوند نسبت به انسانها است، دریای عفو و بخشن، دریای بنده نوازی. رمضان ماهی است که بندگان خدا میهمان سفره‌ی پر خیر و برکت خداوند هستند و هر چه از آن بهره بگیرند چیزی از آن کم نمی شود. ماه رمضان که می آید، بنده دلش به کریم بودن خداوند خوش است. چرا که رمضان را با صفت کریم می شناسد. **رمضان کریم**: بنده خوشحال است و دست از پا نمی شناسد و سعی می کند تا آنجا که می تواند از این میهمانی بهره بگیرد و هر چه بیش تر، بهتر. وقتی ماه رمضان تمام می شود، مومنان از پایان یافتنش اندوه‌گین می شوند؛ زیرا هر کسی که ماه رمضان را درک کند، می داند چه ماهی را از دست داده است. امام سجاد(علیه السلام) در صحیفه سجادیه این گونه با ماه رمضان وداع می کنداش ماه، در میانها، ستوده ماند و با ما به نیکی همنشینی کرد و برترین سودهای جهانیان را به رساند، و چون وقتی پایان یافت و مدتی سرآمد و شمارش به آخر رسید، از ما جدا شد اینک از آن خدا حافظی می کنیم، هم چون خدا حافظی با کسی که فراقش بر ما سخت است و رخت بر بستن آن ما را اندوه‌گین می کند و احدی نگه داشتنی و احترامی مراعات کردنی و حقی ادا شدنی بر دوش ما می نهد.

پس، این گونه می گوییم: بدرود، ای گرامی ترین اوقات همراه و ای بهترین ماه در میان روزها و ساعتها! بدرود، ای ماهی که آرزوها در آن نزدیک و سفره‌ی عمل در آن، گشوده شد! بدرود، ای همنشینی که تا بود، ارزشمند بود و چون از دست می رود، فقدانش غم بار است، و ای امید گاهی که هجرانش درد آور

^{۱۵۰} - همان، صص ۳۷۴-۳۷۵.

است! بدرود، ای یاوری که ما را در غلبه بر شیطان یاری کردی، و ای همنشینی که راههای نیک را هموار ساختی!

بدرود، که در تو آزاد شدگان خدا(از آتش) چه بسیار بودند و چه خوش بخت‌اند آنان که حرمت تو را به خاطر تو نگه داشتند! بدورد، که دیروز چه خواهانت بودیم و فردا چه شوکی به تو خواهیم داشت!

بدرود، از تو و از فضیلت تو که از آن محروم شدیم و از برکات گذشته که از ما گرفته شد. خداوند! ما اهل این ماهیم که به سبب آن، شرافتمان دادی و با احسان، برای آن، توفیقمان بخشدیدی، و به سنت آن رهنمونمان گشتی؛ ما نیز با توفیق تو، هر چند با تقصیر، به روزه داری و عبادت آن پرداختیم و اندکی از حق بسیار آن ادا

کردیم.

پس خوش به حال آن کسی که توانسته باشد در این ماه از سفره خداوند هر چه بیش تر بهره برد باشد. چرا که توانست در این ماه بندگی خداوند را به نحو احسن انجام دهد در واقع خود را به خدا نزدیک کرده است و در روز عید، عیدی خود را از خداوند دریافت خواهد کرد.

عید فطر

عید فطر، عید بندگی است. عیدی است که عیدی دهنده خداوند بخشنده و مهربان است. و عیدی که خداوند به بنده می‌دهد چه گرانبها و چه زیباست، آن هدیه‌ای آسمانی است نه زمینی. و چه زیباتر اینکه معبد بنده نواز به بندهی خود عیدی ماه مبارک رمضان را عطا می‌کند. و خوشابه حال آن بندهای که توانسته است عیدی حقیقی و واقعی را که همان تقوا و قرب حضرت دوست است از آن خود کرده باشد.

شب عید فطر

شب عید فطر، شبی بس عظیم است؛ چنان که از امام سجاد(علیه السلام) مروی است که به اولاد خود درباره حق این شب سفارش فرمود: «این شب دست کمی از شب قدر ندارد.» و این نص آن حضرت است که «لیلۃ الفطر لیس دون لیلۃ القدر». پس بر بنده لازم است در این شب کوشش را بر آنچه در شب قدر داشت افرون کند؛ زیرا با شرافتی که دارد وقت پاداش و آخر کار است و محتاج به خدمت بیش تر و محکم‌تری است.

^{۱۵۱}- صحیفه سجادیه، (رضا مؤذن زاده)، بی‌چا، قم: نشر جمال، سال ۱۳۸۵، دعای ۴۵، ص ۱۷۱.

چرا که وقت ظهور آثار اعمال ماه مبارک رمضان و اعطای پاداش عبادت آن روز عید است؛ بنابراین، هر کس در شب عید خود، بهتر عمل کند و مراقبت کند و در علاج تقصیر خود بکوشد و در شب فطر از آنچه در ماه رمضان قصور داشته در مقام جبران برآمده و خویشتن را برای پرستش و تعبد حاضر کند و تن خود رادر زمرة بندگان شایسته داخل گرداند، امید است که خدای تعالی او را بپذیرد و روز عید را از او قبول فرماید، چنان که از بندگان صالح خود قبول فرموده است.^{۱۵۲}

برای شب عید فطر نیز اعمالی وجود دارد از جمله آن: نماز، زیارت امام حسین (علیه السلام)، شب زنده داری (احیا) نیز می‌باشد.^{۱۵۳}

امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر کس در یک سال، شب نیمه شعبان، شب عید فطر و شب عرفه، قبر حسین (علیه السلام) را زیارت کند، خداوند برای او هزار حج مقبول و هزار عمره مقبول می‌نویسد، و هزار حاجت از حاجت‌های دنیا و آخرت از او برآورده می‌شود.^{۱۵۴}

روز عید فطر

روز عید فطر منادی ندا می‌دهد که ای بندگان خدا بیاید و جایزه‌هایتان را از خداوند بگیرید.

امام باقر (علیه السلام) به جابر فرمود: که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «چون روز اول ماه شوال شود، منادی ندا می‌دهد: ای مومنان! صبح گاهان به سوی جایزه‌هایتان بستایید». سپس فرمود: «ای جابر! جایزه‌های خدا، جوایز این پادشاهان نیست». سپس فرمود: «آن روز، روز جایزه‌هاست».^{۱۵۵}

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: فرشتگان، روز عید، سر کوچه‌ها و گذرها می‌ایستند و می‌گویند: بستایید

به سوی پروردگار کریم که عطای بسیار می‌دهد و گناه بزرگ را می‌آمرزد».^{۱۵۶}

^{۱۵۲} - مجید، جعفرپور، همان، ص ۲۴۹.

^{۱۵۳} - عباس قمی، همان، ص ۳۹۰.

^{۱۵۴} - مجید جعفرپور، همان، ص ۲۴۰.

^{۱۵۵} - همان، ص ۲۴۹.

^{۱۵۶} - همان، ص ۲۵۰.

امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) می فرماید: «این (عید فطر)، عید کسی است که خداوند، روزه‌ی او را پذیرفته و عبادتش را قبول کرده است و هر روزی که در آن، خدا معصیت نشود، آن روز عید است.^{۱۵۷}

عارف کامل آیت الله ملکی تبریزی(رحمه الله) در مراقب روز عید در کتاب المراقبات چنین می‌نویسد: بدان که (عید) عبارت از وقتی است که خداوند از بین ایام، برگزیده تا به بندگانش جوایز و انعام بخشد و آنان را برای گرفتن خلعت‌ها و عطا‌یا اجتماع کنند و اجازه داده است که رد برابر او حضور یابند و در درگاه او اظهار مسکنت و خواری نمایند و به بندگی اعتراف و از گناهان استغفار و طلب آمرزش کنند، حاجات خود را عرضه بدارند و به آنان در تمام این درخواست‌ها و عده اجابت داده و امیدوار ساخته است.^{۱۵۸}

روز عید فطر بسیار حائز اهمیت است و برای آن نیز اعمالی وجود دارد از اعمال که پیش از رفتن به سوی نماز عید، مورد تاکید قرار گرفته‌اند: غسل، آراستگی ظاهر، غذا خوردن و پرداختن زکات فطره می‌باشد.^{۱۵۹}

روز عید فطر در کلام امام رضا(علیه السلام)

روز فطر، از آن جهت، عید قرار داده شده است که مسلمانان، اجتماعی داشته باشند که در آن روز گرد هم آیند و برای خدا بیرون آیند و او را بر نعمت‌هایی که به آنان داده است بستایند.

روز عید، روز تجمع، روز خوردن روزه، روز زکات، روز شوق و روز نیاز است؛ و برای آن که اولین روز از سال است که خوردن و آشامیدن در آن حلال است؛ چرا که ما رمضان، اولین ماه سال نزد اهل حق است. پس خداوند، دوست داشت که در چنین روزی، همایشی داشته باشند تا خدا را حمد و ستایش کنند در این روز، تکبیر در نماز، از آن رو بیش از روزهای دیگر قرار داده شده است که تکبیر، بزرگ داشت خداوند و ستایش و ثنای او بر نعمت هدایت است، آن گونه خداوند فرموده است: «تا خداوند را بر این که هدایتان کرد، بزرگ بدارید و باشد که شکر گزارید».^{۱۶۰}

^{۱۵۷}- نهج البلاغه، حکمت ۴۲۸، ص. ۵۲۰.

^{۱۵۸}- مجید، جعفر پور، همان، ۲۵۱.

^{۱۵۹}- همان، ص. ۲۵۶.

^{۱۶۰}- سوره بقره (۲)، آیه ۱۸۵.

و در آن روز، دوازده تکبیر قرار داده شده است؛ چون در هر دو رکعت، دوازده تکبیر است؛ هفت تکبیر در رکعت اول، و پنج تکبیر در رکعت دوم قرار داده شده و آن دو، یکسان نشده‌اند؛ چرا که مستحب است نماز واجب، با هفت تکبیر آغاز شود. از این رو در این جا با هفت تکبیر آغاز شده است و در رکعت دوم، پنج تکبیر است؛ چرا که تکبیرهای احرام نمازها در شباهه روز، پنج تکبیر است، و برای اینکه تکبیرها در هر رکعت، فرد باشند.^{۱۶۱}

^{۱۶۱}- مجید، جعفر پور، همان، ۲۵۸.

نتیجه گیری:

روزه یکی از برنامه های مترقبی و متعالی دین مبین اسلام است که باعث سعادت دنیا و آخرت و بهداشت جسم و تزکیه نفس و اخلاق انسانی می شود. خداوند در سوره بقره فلسفه روزه را تقوا و پرهیز کاری معرفی می کند. تقوا، تقویت اراده و کنترل هوای نفس، آزمودن اخلاص، زکات و سالم سازی بدن، همدردی با فقیران از حکمت های روزه هستند.

افکارناپسند، لقمه ناپاک، سخن چینی، تکبر و عجب، حسادت، دروغ گفتن، غیبت و بدخلقی ارزش و اهمیت روزه را تضعیف می کنند. در مقابل امام شناسی، انتظار، تحصیل دانش، ذکر، دعاوینیايش، توکل امریبه معروف، عفو و بخشش، رضاوتسلیم از عوامل ارتقاء روزه هستند.

عید فطر عید بندگی خدا، عیدی که عیدی دهنده خداوند است و چه زیباست اینکه معبد بندۀ نواز به بندۀ خود عیدی عطا می کند

*منابع و مأخذ

قرآن

نهج البلاغه

*منابع فارسی

- ۱-اشتهرادی، محمد، لقمان و حکمت های دهگانه او در قرآن، چ اول، بوشهر: انتشارات موعد اسلام، ۱۳۸۱.
- ۲-انصاری محلاتی، محمدرضا، ثواب الاعمال (انصاری)، بی چا، نشر نسیم کوش.
- ۳-آشتینانی، احمد، طرائف الاحکم یا اندرز های ممتاز، ج ۱، بی چا، نشر کتابخانه صدوق.
- ۴-پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان، چ ۲۰، قم: موسسه امام صادق (علیه السلام)، بهار ۱۳۸۷.
- ۵-جعفرپور، مجید، درسنامه ماه رمضان، چ ۱، قم: انتشارات بیت الاحزان، بهار ۱۳۸۳.
- ۶-جباران، محمدرضا، درسنامه علم اخلاق، چ ۳، قم: مرکز نشر هاجر، پاییز ۱۳۸۵
- ۷-جوادی آملی، عبدالله، نشانه پروپیشگی، چ ۴، قم: مرکز نشر هاجر، تابستان ۱۳۹۰
- ۸-حسن زاده آملی، حسن، انسان و قرآن، چ ۲، قم: انتشارات قیام، ۱۳۸۱
- ۹-حبیبیان، احمد، علم اخلاق ۲، چ ۲، قم: مرکز نشر هاجر، بهار ۱۳۸۵
- ۱۰-.....، مرز فضایل و رذائل اخلاقی، چ ۲، قم: انتشارات مطبوعات دینی، بهار ۱۳۸۲
- ۱۱-خسروی، موسی، مواعظ امامان (علیهم السلام)، ترجمه جلد ۱۷ بحار الانوار، بی چا، نشر اسلامیه
- ۱۲-خرمشاهی، بهاء الدین، انصاری، مسعود، پیام پیامبر، بی چا، نشر منفرد

۱۳- خراسانی، وحید، به یاد آخرين خلیفه پروردگار، چ، ۴، قم: انتشارات مدرسه الامام باقر العلوم (علیه السلام)

تابستان ۱۳۸۹

۱۴- دستغیب، سید عبدالحسین، قلب سلیم، ج ۱، بی چا، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه

مدرسین، پاییز ۱۳۸۸

۱۵- دفتر تبلیغات معاونت آموزش حوزه علمیه قم، ره توشه راهیان نور ویژه ماه مبارک رمضان، چ ۱، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷

۱۶-رمضان تجلی معبد، بی چا، قم: مرکز پژوهش و تحقیقات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۸، (ه) ق)

۱۷- ربانی، هادی، آینه یادها، چ ۱، قم: موسسه دارالحدیث، ۱۳۸۵

۱۸- روحانی علی آبادی، محمد، زندگی حضرت زهرا (سلام الله علیها)، بی چا، انتشارات مهمام

۱۹- راغب اصفهانی، ابی القاسم حسین، مفردات، مترجم: محمد سید گیلانی، بی چا، تهران: المکتبه المرتفویه

۲۰- روحانی نژاد، حسین، پرستش، چ ۱، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، تابستان ۱۳۸۱

۲۱- زین العابدین، تفسیر جامع آیاتالاحکام، ج ۳، چ ۲، نشر سایه، سال ۱۳۸۴

۲۲- شجاعی، محمد، طریقه عملی تزکیه، چ ۱، تهران: سروش، سال ۱۳۶۴

۲۳- طبرسی، حسن ابن فضل، مکارم اخلاق، مترجم: سید ابراهیم میر باقری، بی چا، تهران، انتشارات فراهانی

۲۴- طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیرالمیزان، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۲، چ ۱، قم: انتشارات اسلامی ۱۳۷۴

۲۵- طبرسی، ابن علی فضل بن حسن، ترجمه تفسیر القرآن، مترجم: رضا ستوده، ج ۲، بی چا، تهران: انتشارات فراهانی، سال ۱۳۶۰

۲۶- عطاردی، عزیزالله، ایمان و کفر (ترجمه الایمان بحارالانوار) ج ۱، بی چا، انتشارات عطاردی

- ۲۷-غفاری، محسن، ارکان اسلام، چ ۲، تهران: انتشارات پیام آزادی، سال ۱۳۷۹
- ۲۸-غزالی طوسی، ابوحامد امام محمد، کیمیای سعادت، مترجم: حسین خریو جم، چ ۱۱، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، سال ۱۳۸۳
- ۲۹-فهری زنجانی، سید احمد، خصال ترجمه فهری، چ ۱، بی چا، انتشارات علمیه اسلامی
- ۳۰-قمری، عباس، مفاتیح الجنان، مترجم: مهدی قمشه ای، چ ۵، مشهد: نشر پیام مقدس، سال ۱۳۹۰
- ۳۱-کمره ای، محمد باقر، آداب معاشرت، ترجمه چ ۶ بحار الانوار، چ ۱، بی چا، انتشارات اسلامیه
- ۳۲-مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چ ۱، چ ۵۷، نشر دارالکتب الاسلامیه، سال ۱۳۸۸
- ۳۳-مجاهدی، محمد علی، پاداش نیکی هاوکیفر گناهان، بی چا، انتشارات سرور
- ۳۴-صبحایزدی، محمد تقی، راهیان کوی دوست، چ ۷، قم: مرکزان انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، پاییز ۱۳۸۴
- ۳۵-مهدوی کنی، محمدرضا، نقطه های آغاز در اخلاق علمی، چ ۲۵، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، سال ۱۳۸۸
- ۳۶-محدثی، جواد، برگرانه چهل حدیث امام خمینی (ره)، چ ۳، قم: مرکز نشر هاجر سال ۱۳۸۹
- ۳۷-.....، اخلاق معاشرت، چ ۲، قم: بوستان کتاب، سال ۱۳۸۰
- ۳۸-ملکی تبریزی، جواد، المراقبات، مترجم: ابراهیم محدث، بی چا، قم: ۱۳۷۵
- ۳۹-مطهری، مرتضی، انسان و سرنوشت، چ ۳۵، تهران: انتشارات صدرا، مهر ۱۳۸۸

* منابع عربی

- ۱- بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، چ ۲، بی چا، قم: انتشارات اسماعیلیان
- ۲- الحرانی، ابو محمد الحسن، تحف العقول، چ ۵، قم: انتشارات مکتب بصیرتی، ۱۳۹۴

۳- حلی، سید رضی الدین طاوس، اقبال الاعمال، ج ۱، چ ۱، قم: مکتب العلوم اسلامی، سال ۱۳۴۱

۴- کلینی رازی، ابی جعفر، اصول کافی، ج ۲، چ ۲۰، نشر دارالحدیث، سال ۱۴۲۵

۵- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۱، بی چا، بیروت: موسسه الوفا، سال ۱۴۰۳ق

۶- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۷، چ ۴، قم: مرکز تحقیقات دارالحدیث، سال ۱۳۸۳

سایت

۱- www.salamat.ac.ir ۱۳۹۳/۵/۲۷